

# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

## بخش اول

آموزش قواعد ۹

تست های قواعد ۱۲

## بخش دوم

فن ترجمه ۱۵

تست های ترجمه ۲۰

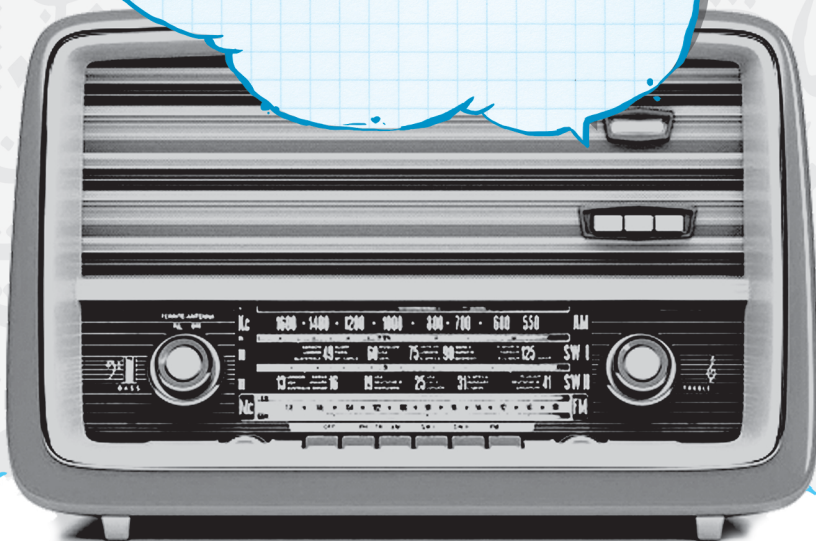
پاسخ پرسش های چهارگزینه ای ۲۵

آزمون ۳۰

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

بهترین بندگان خدا نزد خدا،

سودمندترین آن ها برای بندگانند هستند.



# بخش اول

## قواعد

### اسم تفضیل و اسم مکان

#### اسم تفضیل

اسمی است که بر مفهوم برتری دلالت دارد؛ به عبارت دیگر اسم تفضیل بیانگر زیادتر بودن صفتی در فردی یا چیزی نسبت به دیگری یا دیگران است. اسم تفضیل معادل صفت تفضیلی (صفت برتر) و صفت عالی (صفت برترین) در زبان فارسی است و بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.  
مثال: أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) / أَحْسَنُ (خوب‌تر، خوب‌ترین) / أَصْغَرُ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) / ...

آسیا أَكْبَرُ مِنَ أوروپَا. (آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.)

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. (آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.)

آسیا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ. (آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.)

أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. (بهترین مردم، سودمندترینشان برای مردم است.)

• **نکته** اسم‌هایی مانند «أَحَبُّ» (محبوب‌تر، محبوب‌ترین)، أَقَلُّ (کم‌تر، کم‌ترین)، أَذَقُّ (دقیق‌تر، دقیق‌ترین)، أَحَقُّ (شایسته‌تر، شایسته‌ترین) و ... و اسم‌هایی مانند «أَعْلَى» (بلندتر، بلندترین)، أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین)، أَعْتَى (ثروتمندتر، ثروتمندترین)، أَزْكَى (پاک‌تر، پاک‌ترین)، أَبْقَى (ماندنی‌تر، ماندنی‌ترین) و ... همگی اسم تفضیل هستند.

• **توجه** اسم‌هایی مانند «أَسْوَدُ» (سیاه)، أَخْضَرُ (سبز)، أُزْرَقُ (آبی)، ... که بر وزن «أَفْعَل» هستند و بر رنگ دلالت می‌کنند، اسم تفضیل نیستند.

• **نکته** به مقایسه دو کلمه «أَخْر» و «أَخِر» توجه کنید:   
• أَخْر (به معنای «دیگر») ← اسم تفضیل است. ← مؤنث آن: أَخْرَى  
• أَخِر (به معنای «پایان») ← اسم فاعل است. ← مؤنث آن: آخِرَة

• **نکته** گاهی میان «اسم تفضیل» و «سوم شخص مفرد مذكر از ماضی باب افعال» و «اول شخص مفرد از فعل مضارع» از لحاظ ظاهری شباهت ایجاد می‌شود که در این صورت بهترین راه تشخیص، توجه به مفهوم عبارت است.

مثال: أَحْمَدُ أَعْلَمُ التَّلَامِيذِ فِي هَذَا الصَّفِّ. (احمد داناترین دانش‌آموزان در این کلاس است.)

اسم تفضیل

أَحْمَدُ أَعْلَمُ مِنْ صَدِيقِهِ فِي مَجَالِ آدَابِ الصَّدَاقَةِ. (احمد در زمینه آداب دوستی از دوستش داناتر است.)

اسم تفضیل

أَحْمَدُ أَعْلَمُ صَدِيقَهُ بِأَخْبَارِ الْجَامِعَةِ. (احمد دوستش را از خبرهای دانشگاه باخبر کرد.)

ماضی باب افعال (سوم شخص مفرد مذكر)

أَنَا أَعْلَمُ أَجْوِبَةَ التَّمَارِينِ الْمَوْجُودَةِ فِي كِتَابِي. (من جواب‌های تمرین‌های موجود در کتابم را می‌دانم.)

مضارع (اول شخص مفرد)

• **نکته** مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

مثال: فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگتر) / زَيْنَبُ الصُّغْرَى (زینب کوچک‌تر)

• **نکته** اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال: فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ. (فاطمه از زینب بزرگ‌تر است.)

• **نکته** جمع اسم تفضیل غالباً بر وزن «أَفَاعِل» می‌آید.

مثال: أَفْضَلُ ← أَفَاضِلُ / أَرْدَلُ ← أَرَادِلُ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ترجمه احادیث التالیة ثم صغ خطأ تحت اسم التفضیل:

- (۱) أَعْلَمَ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.  
 (۲) أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.  
 (۳) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ.



- (۱) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید. (اسم تفضیل: أَعْلَمَ)  
 (۲) محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آن‌ها برای بندگانش است. (اسم تفضیل: أَحَبَّ، أَنْفَعُ)  
 (۳) بهترین کارها، به دست آوردن [روزی] از [راه] حلال است. (اسم تفضیل: أَفْضَلُ)

نمونه تستی

عَبَّيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱. هُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ فِي مَدِينَتِهِ.  
 ۲. اِنْتَحَبَ صَدِيقِي أَحْسَنَ كِتَابٍ لِأَبْحَائِهِ.  
 ۳. أَرْسَلَ اللَّهُ النَّبِيَّ (ص) لِهِدَايَةِ النَّاسِ.  
 ۴. التَّلْمِيزُ الْمُجَدُّ أَحَقُّ مِنَ التَّلْمِيزِ الْمُتَكَاسِلِ بِالتَّكْرِيمِ.

گزینه (۲)

«أَرْسَلَ» فعل ماضی باب «إفعال» در صیغه «سوم شخص مفرد مذکر» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

«أَعْنَى»، «أَحْسَنَ» و «أَحَقُّ» در گزینه‌های دیگر اسم تفضیل هستند.

ترجمه گزینه‌ها:

۱. او از ثروتمندترین مردم در شهر خود است.  
 ۲. دوستم بهترین کتاب را برای پژوهش‌هایش انتخاب کرد.  
 ۳. خداوند، پیامبر (ص) را برای هدایت مردم فرستاد.  
 ۴. دانش‌آموز کوشا از دانش‌آموز تنبل به بزرگداشت سزاوارتر است.

• نکته دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» اگر به معنای «بهتر، بهترین» و «بدتر، بدترین» باشند، اسم تفضیل هستند.

مثال: هُوَ خَيْرٌ مَن رَأَيْتَهُ حَتَّى الْآنَ. (او بهترین کسی است که من تاکنون دیده‌ام.)

اسم تفضیل

عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنَ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (دشمنی خردمند، بهتر از دوستی نادان است.)

اسم تفضیل

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

ترجمه العبارات التالیة:

- (۱) ... رَبَّنَا أَمَّا فَاعْفُرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿  
 (۲) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿  
 (۳) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿  
 (۴) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ. ﴿  
 (۵) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غَيُوبِكُمْ. ﴿  
 (۶) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.



- (۱) پروردگارا، ما ایمان آوردیم، پس ما را ببخشا و به ما رحم کن و تو بهترین مهربانانی.  
 (۲) بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم از شر آن چه آفریده است.  
 (۳) شب قدر بهتر از هزار ماه است.  
 (۴) بدترین مردم، [انسان] دورو است.  
 (۵) بهترین برادران (دوستان) شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد.  
 (۶) هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، او بدتر از چارپایان است.



## نمونه تستی

کَمِ اسْمٍ تَفْضِيلٍ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ؟ «خَيْرُ الْأَصْدِقَاءِ أَكْثَرُهُمْ أَدْبًا وَأَقَلُّهُمْ جَهْلًا».

① واحد      ② اثنان      ③ ثلاثة      ④ أربعة

گزینه (۳) ✓

کلمات «خَيْر»، «أَكْثَر» و «أَقَل» در این عبارت اسم تفضیل هستند.

ترجمه عبارت: بهترین دوستان، کسی است که ادبش بیشتر و نادانی‌اش کم‌تر است.

## اسم مکان

اسمی است که بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است.

مثال: مَلْعَب: ورزشگاه / مَطْعَم: رستوران / مَضْنَع: کارخانه / مَنْزِل: خانه / مَكْتَبَة: کتابخانه / مَطْبَعَة: چاپخانه

• **نکته** اسم‌هایی مانند «مَجَال (عرصه، زمین)، مَعَاد (محل بازگشت، رستخیز)، مَطَار (فرودگاه) و ...» و اسم‌هایی مانند «مَطَب، مَمَر (گذرگاه، راهرو)، مَقَر (قرارگاه، اقامتگاه) و ...» همگی بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان هستند.

• **نکته** جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید؛

مثال: مَسَاجِد — مَسَاجِد / مَلْعَب — مَلْعَب / مَنْزِل — مَنْزِل

## اِخْتِبَرِ نَفْسَكَ

تَرْجِمِ الْآيَتِينَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ الْمَكَانِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

۱ ﴿ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ﴾

۲ كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جَنْدِي سَابُور فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

۱) و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است، گفت‌وگو کن؛ همانا پروردگارت به [حالی] کسی که از راه او منحرف شده است، داناتر است. (أَحْسَنُ وَ أَعْلَمُ: اسم تفضیل)

۲) کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان، بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم بود. (مَكْتَبَة: اسم مکان / أَكْبَر: اسم تفضیل)

## نمونه تستی

عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

① مَجْلِس      ② مَسْمُوح      ③ مَسْجِد      ④ مَسْجَل

گزینه (۱) ✓

«مَجْلِس» بر وزن «مَفْعِل» و اسم مکان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

② «مَسْمُوح» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مفعول است.

③ «مَسْجَل» چون با «م» شروع شده و یک حرف مانده به آخر آن کسره (ـِ) دارد، اسم فاعل است.

④ «سَاجِد» بر وزن «فَاعِل» است؛ بنابراین اسم فاعل می‌باشد.



## تست های قواعد

١- عَيِّن اسْمَ الْمَكَانِ مِنْ مَصْدَرِ «شَهَادَةٌ»:

- (١) مُشْهَدٌ (٢) مُشَاهِدَةٌ (٣) مُشَاهِدٌ (٤) مَشْهُودٌ

٢- عَيِّن الصَّحِيحَ فِيمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

- (١) ﴿وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ اسم فاعل  
 (٢) فَتَشَّ الرَّجُلُ عَنِ مَوْضِعِ الشَّمْسِ فِي السَّمَاءِ. اسم فاعل  
 (٣) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. اسم تفضيل  
 (٤) ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ اسم مفعول

٣- عَيِّن الخَطَأَ عَنِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «المُعَلِّمُ يُرْشِدُ تَلْمِيذَهُ الْمُؤَدَّبَ إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ فِي المَدْرَسَةِ».

- (١) المُعَلِّمُ: اسم فاعل (٢) المُؤَدَّبُ: اسم فاعل (٣) خَيْرٌ: اسم تفضيل (٤) المَدْرَسَةُ: اسم مكان

٤- عَيِّن الخَطَأَ:

- (١) أَغْنَى: اسم تفضيل (٢) كَفَّارٌ: اسم مبالغة (٣) مَحْكَمَةٌ: اسم مكان (٤) أَقَلٌّ: اسم تفضيل

٥- عَيِّن الخَطَأَ عَنِ «مَكْتَبٍ» فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «فِي مَكْتَبِنَا لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ».

- (١) اسم مكان (٢) اسم مفعول (٣) مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (٤) مِضَافٌ

٦- عَيِّن اسْمَ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَحَبُّ (٢) أَحَبُّ (٣) مَحْبُوبٌ (٤) حَبِيبٌ

٧- كم اسم مكان في هذه العبارة؟ «بَعْدَ تَنَاوُلِ الطَّعَامِ فِي المَطْعَمِ شَاهَدْتُ مَدَارِسَ كَبِيرَةً وَمَنَاطِرَ جَمِيلَةً فِي هَذِهِ المَحَافِظَةِ».

- (١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

٨- عَيِّن الخَطَأَ:

- (١) مُسْلِمٌ: اسم فاعل (٢) مَطَارٌ: اسم مكان (٣) أَكْرَمٌ: اسم تفضيل (٤) مُشَاهَدٌ: مصدر

٩- عَيِّن الصَّحِيحَ عَنِ «أَحَبِّ» فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «يُوسُفُ أَحَبُّ إِلَيَّ أَبِينَا مِثْلًا».

- (١) مصدر (٢) فعل مضارع (٣) فعل ماضٍ (٤) اسم تفضيل

١٠- عَيِّن الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِ الأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ: «أَرْكَى - مَرَقَدٌ - وَرَثَةٌ»

- (١) اسم تفضيل - اسم مفعول - اسم فاعل  
 (٢) صيغة مبالغة - اسم مفعول - صيغة مبالغة  
 (٣) اسم تفضيل - اسم مكان - اسم فاعل  
 (٤) صيغة مبالغة - اسم مكان - صيغة مبالغة

١١- عَيِّن مَا كَلَّمَهُ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) مَجْلِسٌ - مَعْرِفَةٌ - مَنظَرٌ (٢) مُحْكَمٌ - مَرْزَعَةٌ - مَغْرِبٌ (٣) مُخْلِصٌ - مَسْبُوحٌ - مَرْحَمَةٌ (٤) مَمَرٌ - مَكَانٌ - مَنجَرٌ

١٢- عَيِّن الصَّحِيحَ عَمَّا تَحْتَهُ خَطٌّ: «قَالَ النَّبِيُّ (ص): الدُّنْيَا مَرْزَعَةٌ الأَخْرَجَةُ».

- (١) اسم تفضيل - اسم مكان - اسم مكان  
 (٢) اسم مكان - اسم مفعول - اسم تفضيل  
 (٣) اسم تفضيل - اسم مكان - اسم فاعل  
 (٤) صيغة مبالغة - اسم مفعول - اسم فاعل

١٣- عَيِّن الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِ الأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ: «مَحْزُونٌ - مُصَدِّقٌ - أَعْلَى»

- (١) اسم مفعول - اسم مفعول - اسم تفضيل  
 (٢) اسم مفعول - اسم فاعل - اسم فاعل  
 (٣) صيغة مبالغة - اسم مفعول - اسم مكان  
 (٤) اسم مفعول - اسم فاعل - اسم تفضيل

١٤- عَيِّن الخَطَأَ:

- (١) آخِرٌ: اسم فاعل (٢) عَظْمَى: صيغة مبالغة (٣) آخِرٌ: اسم تفضيل (٤) خَيْرٌ: اسم تفضيل

١٥- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَن «أَقْوَى» فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «هَذَا اللَّاعِبُ أَقْوَى مِن صَدِيقِهِ.»

(١) اسم تفضيل (٢) فعل مضارع للمتكلم وحده (٣) فعل ماضٍ للغائب (٤) اسم فاعل

١٦- عَيَّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(١) أَحْمَرُ (٢) أَشَدُّ (٣) أَصَدَّقُ (٤) حَسَنُ

١٧- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَن كَلِمَةِ «أَبْقَى» فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

(١) صيغة مبالغة (٢) اسم تفضيل للمذكر (٣) فعل مضارع للمتكلم وحده (٤) فعل ماضٍ من باب إفعال للغائب

١٨- عَيَّنِ مَا كُلُّهُ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) أَعْجَزَ - أَخْضَرَ - أَسْرَةَ (٢) أَحَقَّ - شَرَّ - أَظْلَمَ (٣) أَعْصَانَ - أَنْصَحَ - أَوْسَطَ (٤) أَكْرَمَ - أَبْيَضَ - أَعْلَى

١٩- عَيَّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

(١) مَحْمِدَةَ (٢) مَطَارَ (٣) سَوْقَ (٤) مَجَالِسَةَ

٢٠- عَيَّنِ مَا لَيْسَ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(١) أَحْسَنُ / حُسْنَى (٢) أَضْعَرَ / ضَعْرَى (٣) أَجْرٌ / آخِرَةٌ (٤) أَعْلَى / غَلِيَا

٢١- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَن كَلِمَةِ «أَوْلَى»:

(١) اسم فاعل (٢) اسم تفضيل (٣) صيغة مبالغة (٤) فعل مضارع

٢٢- عَيَّنِ عِبَارَةً جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ التَّفْضِيلِ مَعًا:

(١) شَجَرَةُ النَّخْلِ أَطْوَلُ مِن شَجَرَةِ الْبُرْتَقَالِ. (٢) قَالَ الْبَائِعُ: هَذِهِ الْأَبْسَةُ مِن أَحْسَنِ الْأَنْوَاعِ. (٣) يَبْرَزُ الْعَاقِلُ الْخَيْرَ فَيَحْصُدُ الْحَسَنَةَ فِي حَيَاتِهِ. (٤) أَقْبَلَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ وَ سَلَّمَ عَلَى الطِّفْلِ الْفَقِيرِ.

٢٣- عَيَّنِ الْجَوَابَ الَّذِي لَا يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ أَوْ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

(١) أَنْكَرَ الْكُفَّارُ الْحَيَاةَ الْجَدِيدَةَ بَعْدَ الْمَوْتِ. (٢) إِنَّمَا الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى لِلَّهِ تَعَالَى. (٣) نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ. (٤) ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

٢٤- عَيَّنِ عِبَارَةً لَيْسَ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ:

(١) رَأَيْتُ أَصْدِقَائِي عِنْدَ مَدْخَلِ الْمَدْرَسَةِ. (٢) مَقْصَدُنَا سَوْقُ الْمَدِينَةِ لِشِرَاءِ بَعْضِ الْأَشْيَاءِ. (٣) الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ. (٤) الرَّجُلُ الذَّكِيُّ يَحْفَظُ نَفْسَهُ مِن مَوَاضِعِ الْإِتِّهَامِ.

٢٥- عَيَّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) لَا يَتَزَيَّنُ الْمَرْءُ بِزِينَةٍ أَحْسَنَ مِنَ الْأَخْلَاقِ. (٢) رَكِبْنَا سَفِينَةً أُخْرَى لِلذَّهَابِ إِلَى هَذِهِ الْجَزِيرَةِ. (٣) هَذِهِ الْقَرْيَةُ مِن أَجْمَلِ الْمَنَاطِقِ فِي الْعَالَمِ. (٤) أَحْسَنَ الرَّجُلُ إِلَى الْفُقَرَاءِ لِرِضَايَةِ رَبِّهِ.

٢٦- عَيَّنِ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) هَذَا الرَّجُلُ صَادِقٌ فِي حَيَاتِهِ. (٢) رَأَيْتُ صَدِيقِي فِي الْمَكْتَبَةِ. (٣) أَحَاوَلْتُ أَنْ أَصْدُقَ فِي كَلَامِي دَائِمًا. (٤) هُوَ أَصَدَّقُ النَّاسِ قَوْلًا.

٢٧- عَيَّنِ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ أَكْثَرَ:

(١) أَنْفَعُ الْعِبَادِ لِلنَّاسِ أَحَبُّ عِنْدَ اللَّهِ. (٢) أَعْمَلُ الْخَيْرِ لِأَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ عَاقِبَةَ الشَّرِّ نَدَامَةٌ. (٣) أَحَبُّ هَذَا الْأُسْتَاذِ أَكْثَرَ مِنَ الْآخَرِينَ لِأَنَّهُ أَحْسَنُ الْأَسَاتِذَةِ. (٤) إِعْلَمُ أَنَّ شَجَاعَةَ الْجَيْشِ أَهَمُّ مِنْ عِدَّتِهِمْ.

٢٨- عَيَّنِ اسْمَ الْمَكَانِ:

(١) مَرْشِدٌ (٢) مَقَرٌّ (٣) مُنْتَظَمٌ (٤) مَحَبَّةٌ

٢٩- عَيَّن ما فيه اسمُ المكان:

- (١) الإنسانُ الصادقُ مُعْتَمِدٌ عندَ أصدقائه.  
 (٢) يَدْخُلُ المؤمنونَ الْجَنَّةَ و يُرَزَقُونَ فيها بِغَيْرِ حسابٍ.  
 (٣) ما يَبْسُ العُلَماءُ من مَعْرِفَةِ الظَّواهرِ الطَّبِيعِيَّةِ.  
 (٤) مَقْبَرَةُ العالِمِ الإِبرانيِّ ابنِ سينا في همدان.

٣٠- عَيَّن عبارةً جاء فيها اسمُ المكان و اسمُ التَّفْضيلِ مَعاً:

- (١) أعجَزَ الناسِ مَنْ عَجَزَ عن اكتسابِ الإِخوانِ.  
 (٢) أَرَجِعْ من المَكْتَبَةِ إلى البَيْتِ في السَّاعَةِ السَّادِسَةِ مَساءً.  
 (٣) تَعَلَّمْتُ أنْفَعَ العُلومِ في مدرسةِ الفِقرِ و المشاكِلِ.  
 (٤) أَكْرَمَ المَديِرُ التَّلَامِيذَ التَّاجِحِينَ بِالمُودَّةِ و المَرْحَمَةِ.

٣١- عَيَّن ما فيه اسمُ التَّفْضيلِ:

- (١) ذَهَبَ التَّلَمِيذُ إلى صَدِيقِهِ و أَحْبَبَهُ بِتَجاوِهِ.  
 (٢) ﴿إِذْ قالَ إِبْراهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا البَلَدَ آمِناً﴾  
 (٣) أنجَحَ في امتحاناتِ نِهايةِ السَّنَةِ بِسَببِ اجْتِهادِي.  
 (٤) ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾

٣٢- عَيَّن اسمَ المكانِ مفعولاً:

- (١) هِيَ تَرَكَّتِ الدَّراسَةَ لِأنَّها لا تُحِبُّ المَدْرَسَةَ.  
 (٢) نَهَضَ الفَلَّاحُ من مَكَانِهِ و ذَهَبَ إلى مَرْزَعَتِهِ.  
 (٣) لا يَسْمَحُ مَكْتَبَتنا لَنَا أن نَسْجِدَ لِغَيْرِ اللَّهِ.  
 (٤) في مَدِينَتنا مَطْعَمٌ مَشهُورٌ يذْهَبُ كَثِيرٌ من النَّاسِ إليه لِتَنَاوُلِ الطَّعامِ.

٣٣- عَيَّن كلمةً «خَيْر» اسمِ تَفْضيلِ:

- (١) السَّاعي في الخَيْرِ مَحْبُوبٌ عندَ الناسِ.  
 (٢) ﴿إِزْكَعُوا و اسْجُدُوا و اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الخَيْرَ﴾  
 (٣) ﴿و الباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عندَ رَبِّكَ ثَواباً﴾  
 (٤) ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثقالَ ذَرَّةٍ خيراً يَرَهُ﴾

٣٤- عَيَّن اسمَ التَّفْضيلِ مبتدأً:

- (١) ذَهَبَ أَذْكَى التَّلَامِيذِ إلى المَسابِقِ العِلْمِيَّةِ العالَمِيَّةِ.  
 (٢) الخَيْرُ هُوَ أن تُرِيدَ لِالأخْرينَ ما تُرِيدُ لِنَفْسِكَ.  
 (٣) أَكْثَرَ الناسِ تَقَرُّباً إلى اللَّهِ من كانَ صادِقاً.  
 (٤) ما رَأَيْتُ سَيَّارةً أُسْرِعَ مِنْ هَذِهِ السَيَّارةِ.

٣٥- عَيَّن اسمَ التَّفْضيلِ خَبراً:

- (١) أنْفَعُ الناسِ مَنْ يَعْمَلُ لِخِدْمَةِ الأَخْرينَ.  
 (٢) رَأَيْتُ أَجْمَلَ البُيوتِ في سَفَرَتِي إلى شَمالِ إِيْرانِ.  
 (٣) عَدَاوَةُ العاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَداقَةِ الجاهِلِ.  
 (٤) هَذِهِ الجِبالُ مِنْ أَجْمَلِ المَناظِرِ الطَّبِيعِيَّةِ في مُحافَظَتِنا.





## بخش دوم

# ترجمه

### ترجمه اسم تفضیل

اگر بعد از اسم تفضیل حرف «من» بیاید، معادل صفت برتر (صفت تفضیلی) ترجمه می‌شود ولی اگر اسم تفضیل مضاف واقع شود، معادل صفت برترین (صفت عالی) ترجمه می‌شود.

مثال: **إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْفَعُ مِنَ سَائِرِ الْكُتُبِ.** (قرآن از سایر کتاب‌ها **سودمندتر** است.) / **إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْفَعُ الْكُتُبِ.** (قرآن **سودمندترین** کتاب‌هاست.)

### ترجمه عبارات مهم درس

پدران و مادران دوست دارند فرزندانشان را در بهترین حال ببینند.	يُحِبُّ الآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ.
به همین خاطر همیشه آن‌ها را به صفات خوب و کارهای شایسته راهنمایی می‌کنند.	و لِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ.
ای پسرکم، نماز را به پا دار، به نیکی فرا بخوان و از کار زشت بازدار و در برابر آن چه که [از مصیبت‌ها] به تو می‌رسد، شکیبا باش که آن از کارهای مهم است.	﴿ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴾
و با تکبر رویت را از مردم برگردان و مغرورانه در زمین راه نرو؛ قطعاً خداوند هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.	﴿ وَ لَا تَصَعَّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴾
در راه رفتنت میانه‌روی کن و صدایت را پایین بیاور که زشت‌ترین صداها، صدای خران است.	﴿ وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴾
بر ما واجب است که به کارهای شایسته مشتاق باشیم و [دیگران را] از کار زشت باز بداریم و در برابر مشکلات و سختی‌ها بردبار باشیم چراکه آن از کارهای مهم است.	وَ عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَ الشَّدَائِدِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَةِ.
و بر ما واجب است که در مقابل اساتیدمان، دوستانمان، هم‌کلاسی‌هایمان، همسایگانمان، نزدیکانمان و هرکسی که پیرامون ماست، فروتنی کنیم.	وَ عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ لِأَمَامِ أَسَاتِدَتِنَا وَ أَصْدِقَائِنَا وَ زُمَلَانِنَا وَ جِيرَانِنَا وَ أَقْرَبَائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا.
حکمت در دل [انسان] متواضع ماندگار می‌شود و در قلب متکبر ستمکار دوام ندارد.	الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.
به راستی خداوند هیچ [انسان] خودپسندی را دوست ندارد.	إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.
بنابراین بر ما لازم است که در برابر دیگران تکبر نوزیم.	إِذَنْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخَرِينَ.

خداوند سخن کسی را که صدایش را بدون [هیچ] دلیلی منطقی بالا می‌برد، به صدای الاغ تشبیه کرده است.	فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْجِمَارِ.
بهترین کارها، به دست آوردن [روزی] از [راه] حلال است.	أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.
ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.	تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.
بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.	شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَدُّ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست.	خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
پروردگارا، ایمان آوردیم، پس بر ما ببخشای و به ما رحم کن که تو بهترین مهربانان هستی.	﴿ رَبَّنَا أَمَّا فَأَعِزِّرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴾
بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم، از شرّ آن چه آفریده است.	﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴾
شب قدر بهتر از هزار ماه است.	﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴾
بدترین مردم، [انسان] دو رو (منافق) است.	شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.
بهترین دوستان شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.	خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.
هرکس شهوتش بر عقلش غلبه کند از چارپایان بدتر است.	مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.
قیمت این پیراهن مردانه چقدر است؟	كَمْ سِعْرُ هَذَا التَّمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟
ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.	أَرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.
دشنام‌گوی خود را خوار رها کن تا [خدای] بخشنده را خشنود و شیطان را خشمگین کنی و دشمنت را کیفر دهی.	دَعُ شَاتِمَكَ مَهَانًا تُرَضِ الرَّحْمَنُ وَتُسَخِّطِ الشَّيْطَانَ وَتُعَاقِبَ عَدُوَّكَ.
مؤمن پروردگارش را با [چیزی] مانند بردباری خشنود نساخت (نمی‌سازد)، و شیطان را با [چیزی] مانند سکوت خشمگین نکرد (نمی‌کند).	مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجِلْمِ، وَلَا أَسَخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ،
و نادان با [چیزی] همانند دم فرو بستن در برابرش، مجازات نشد (نمی‌شود).	و لَا عَوْقَبَ الْأَحْمَقِ بِمِثْلِ السُّكُوتِ عَنْهُ.
چه بسا سکوتی که از سخن‌گفتن شیواتر است.	رُبَّ سَكُوتٍ أَبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ.
هرکس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.	مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.
داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش بیفزاید.	أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن‌ها برای بندگانند.	أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
و با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن؛ به راستی پروردگارت نسبت به کسی که از راه او گمراه شده، آگاه‌تر است.	﴿ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ﴾
قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.	تَبَدُّ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَثَمَانِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.
بعد از تخفیف دویست و بیست هزار [تومان] به من بده.	أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَعِشْرِينَ أَلْفًا.
من فقط فرستاده شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل کنم.	إِنَّمَا بَعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
خداوند، همان‌گونه که آفرینش مرا نیکوگرداندی، خلق و خویم را نیز نیکو بگردان.	اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.
خداوند به کسی جز [به اندازه] توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.	﴿ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴾

## واژگان و اصطلاحات درس

عَلَبَ: چیره شد	إِدْنٌ: بنابراین
فَخُورٌ: فخر فروش ≠ متواضع	إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف کردن (إِسْتِهْلَاكٌ، يَسْتِهْلِكُ)
فَلَقٌ: سپیده دم	أَعْضُضٌ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور (عَصَّ، يَعْصُ)
فُنُونٌ: هنرها (مفرد: فَنٌّ)	إِقْصِدْ: میان روی کن (قَصَدَ، يَقْصِدُ)
شَاتِمٌ: دشنامگو	أَقِمِ: بر پای دار «أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را بر پای دار» (أَقَامَ، يُقِيمُ)
قِيَمٌ: ارزشمند	إِقْتِنَادٌ: صرفه جویی (اِقْتَصَدَ، يَقْتَصِدُ)
صَمْتٌ: سکوت	أَنْكَرٌ: زشت تر، زشت ترین = أَفْبَحُ
لَ: بی گمان (حرف تأکید)	إِنَّهُ: باز دار (نَهَى، يَنْهَى)
عَوِيبٌ: مجازات شد، کیفر شد	أَوْمَرٌ: دستور بده «وَأَوْمَرُ = وَأَمْرٌ»
لَا تُصَعِّرْ حَدَكَ: با تکبر رویت را برنگردان (مضارع: يُصَعِّرُ)	أَهْدَى: هدیه کرد
عَذَابٌ: عذاب داد	تَخْفِيفٌ: تخفیف
لَا تَمْشِ: راه نرو (ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)	تَرْبُويٌّ: پرورشی
لَا تَتَمَّمْ: تا کامل کن	تَعَمَّرٌ: عمر می کند، در این جا یعنی ماندگار می شود (عَمَرَ، يَعْمُرُ)
لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود (ماضی: اِهْتَدَى)	جَادِلٌ: ستیز کن
مَنْجَرٌ: مغازه	أُزْضَى: خشنود کرد
مُخْتَالٌ: خودپسند = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ	عَاقَبَ: کیفر داد
مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی	أَسْحَطَ: خشمگین کرد
مَشَى: راه رفتن	حَسَّنَتْ: نیکو گرداندی
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند	دَغٌ: رها کن (وَدَعَ، يَدَعُ)
إِعْجَابٌ بِالنَّفْسِ: خودپسندی	جَبَّارٌ: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»
مُنْكَرٌ: کار زشت	سَاءٌ: بد شد
مُهَانَ: خوار	حَمِيرٌ: خرها (مفرد: حِمَارٌ)
مَهْلًا: آرام باش	حَيٌّ: بشتاب
مَيِّزٌ: جدا و سواکن	حَدٌّ: گونه
مِيزَانٌ: ترازو (ترازوی اعمال)	رَمِيلٌ: همکار
ناهي، ناه: بازدارنده (جمع: ناهون، ناهين و نُهاة)	سِعْرٌ: قیمت (جمع: أَسْعَارٌ)
نَمُودَجٌ: نمونه (جمع: نَمَائِجٌ)	سَبَبَةٌ: تشبیه کرد (مضارع: يُسَبِّبُ)
نُوعِيَّةٌ: جنس	صَلٌّ: گمراه شد
يَقْدِّمُ: تقدیم می کند، پیش می فرستد (ماضی: قَدَّمَ)	عَزَمُ الْأُمُورِ: کارهای مهم



کلمات مترادف

سَيِّءٌ = قبیح (زشت، بد)	يُرْسِدُ = یهدی = يَدُلُّ (هدایت می‌کند - راهنمایی می‌کند)
أَرَادَ = شاء = طَلَبَ = اِشْتَهَى (خواست)	اهتمام = جَهْدٌ = سَعْيٌ = جَدٌّ = مُحَاوَلَةٌ (تلاش - کوشش)
عَفَرَ = سَامَحَ = عَفَا (بخشید)	رَأَى = نَظَرَ = شَاهَدَ (دید، مشاهده کرد)
حَيٌّ = عَجَّلَ (بشتاب، عجله کن)	مواظظ = نَصَائِحُ (پندها، نصیحت‌ها)
تَكَلَّمَ = تَحَدَّثَ = نَطَقَ (بر زبان آورد، صحبت کرد)	عزم‌الأمور = الأُمُورُ المَهْمَةُ (کارهای مهم)
صَدَاقَةٌ = وَدٌّ = حُلَّةٌ (دوستی)	مُخْتَلٌ = مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ (خودپسند)
عَدَبٌ = عَاقَبَ (مجازات کرد)	يُحَافِظُ = يَحْرُسُ (محافظت می‌کند، نگهداری می‌کند)
أَحْمَقُ = جاهل (نادان)	أَنْكَرُ = أَقْبَحُ (زشت‌ترین)
صَمْتٌ = سُكُوتٌ (سکوت)	سِعْرٌ = قِيمَةٌ = مَبْلَغٌ (بها، قیمت)

کلمات متضاد

نَفَعٌ (سود) ≠ ضَرَرٌ / خَسْرَانٌ (زیان)	إِبْتِعَادٌ (دور شدن) ≠ إِقْتِرَابٌ (نزدیک شدن)
عَدَاوَةٌ (دشمنی) ≠ صَدَاقَةٌ (دوستی)	أَرَادِلٌ (فرومایگان) ≠ أَفَاضِلٌ (شایستگان)
خَيْرٌ (نیکی) ≠ شَرٌّ (بدی)	أَوْمَرٌ (دستور بده) ≠ إِنَّهُ (باز دار)
مَهْلًا (آرام باش) ≠ عَجَلٌ (بشتاب)	مَعْرُوفٌ (کار خوب) ≠ مُنْكَرٌ (کار بد)
سَارِعٌ (عجله کن) ≠ إِصْبِرْ / مَهْلًا (صبر کن)	مُتَوَاضِعٌ (فروتن) ≠ مُتَكَبِّرٌ (خودخواه)
مَقْبُولٌ (پذیرفته‌شده) ≠ مَرْدُودٌ (رد شده)	أَكْبَرٌ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) ≠ أَصْغَرٌ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین)
أَمَانَةٌ (وفاداری) ≠ خِيَانَةٌ (پیمان‌شکنی، بی‌وفایی)	عَدَبٌ / عَاقَبَ (مجازات کرد) ≠ عَفَرَ (بخشید)
عَاقِلٌ (دانا) ≠ جَاهِلٌ (نادان)	يُضَعَّرُ (روی می‌گرداند) ≠ يَلْتَفِتُ إِلَى (توجه می‌کند)
سَاءٌ (بد شد) ≠ حَسَنٌ (خوب شد)	رَخِيسٌ (ارزان) ≠ غَالِيٌ (گران)
قَيِّمٌ (ارزشمند) ≠ مَهَانٌ (خوار، بی‌ارزش)	أَبْيَضٌ (سفید) ≠ أَسْوَدٌ (سیاه)
ضَلَّ (گمراه شد) ≠ اهْتَدَى (هدایت شد)	أَحْسَنٌ (نیکی کرد) ≠ أَسَاءَ (بدی کرد)
شَبَابٌ (جوانان) ≠ شَيْبُوحٌ (پیران، سالخوردهگان)	سَكُوتٌ (سکوت) ≠ كَلَامٌ (سخن)
فَخُورٌ (فخر فروش) ≠ مُتَوَاضِعٌ (فروتن)	أَعْضَضُ (پایین بیاور) ≠ اِرْفَعُ (بالا ببر)



## تست‌های ترجمه

### تشخیص معنای واژه

#### ۳۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) يُرْشِدُونَهُمْ: آن‌ها را راهنمایی می‌کرد  
(۲) لَا تَمُشِ: راه بروید  
(۳) اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور  
(۴) نَتَوَاصَّعُ: فروتن باشیم

#### ۳۷- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) تَبَدُّأً: شروع می‌کند  
(۲) أَقِيمُ: برپادار  
(۳) إِنَّهُ: باز داشت  
(۴) تَقَضَّلِي: بفرما

#### ۳۸- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) أَنْ لَا تَنْتَكِبْ: که خودخواهی نوزیم / لِأَتَمِّمَ: تا تمام کنم  
(۲) عَوْقِبَ: مجازات شد / أَرَادَ: خواستم  
(۳) مَا أَرْضَى: خشنود نکرد / أَسْحَطَ: خشمگین کرد  
(۴) دَعُ: رها کن / عَذَّبَ: عذاب داد

#### ۳۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ هَذِهِ اللُّغَاتِ: «عَزَمَ الْأُمُورَ، مَهْلًا، أَعْلَى»

- (۱) کارهای مهم / آرام باش / گران‌ترین  
(۲) کار بزرگ / صبر کن / بالارزش  
(۳) مسائل بزرگ / بایست / گران‌تر  
(۴) کارهای مهم / تمام کن / ارزشمندتر

#### ۴۰- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ هَذِهِ اللُّغَاتِ: «لَا تَنْكَسِرُ، أَنْ نَكُونَ، أَصَابَكَ»

- (۱) نمی‌شکنی / تا باشد / به من رسد  
(۲) نشکن / باشیم / به تو رساند  
(۳) شکسته نمی‌شود / که باشیم / دچار شدی  
(۴) نمی‌شکند / بودیم / به تو اصابت کردم

#### ۴۱- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ اللُّغَاتِ الْمَعْيَنَةِ: «كَمْ سِعْرٌ هَذَا الْقَمِيصِ؟ - سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.»

- (۱) چه مقدار / ارزش / اختلاف داشت  
(۲) چگونه / مقدار / مختلف است  
(۳) کی / بها / متغییر است  
(۴) چقدر / قیمت / فرق می‌کند

#### ۴۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ: «هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبُؤِي لِيَهْتَدِي بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.»

- (۱) نمونه / تربیتی / جوانان  
(۲) نمونه‌ها / خدای / جوانان  
(۳) ایده‌آل / آموزشی / جوانان  
(۴) مثال / پرورشی / جوانان

#### ۴۳- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ اللُّغَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: «يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقْتَصِدَ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرِبَاءِ.»

- (۱) میانه‌روی کنیم / به هدر دادن / منابع زیرزمینی  
(۲) استفاده می‌کنیم / تلف کردن / انرژی  
(۳) صرفه‌جویی کنیم / مصرف کردن / برق  
(۴) مصرف می‌کنیم / استفاده کردن / نیروها

### مترادف و متضاد

#### ۴۴- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْمُرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ:

- (۱) أْبْلَغُ ≠ أَشَدُّ (۲) مَعْمَلٌ = مَضْنَعٌ (۳) أَفْضَلُ = أَنْفَعُ (۴) مَلْعَبٌ ≠ مَطْبَخٌ

#### ۴۵- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْمُرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ:

- (۱) أَفْبَحٌ = أَنْكَرُ (۲) غَالِيٌ ≠ رَخِيصٌ (۳) أَسْعَارٌ = نَمْنٌ (۴) صِدَاقَةٌ ≠ عِدَاوَةٌ

#### ۴۶- عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْمُرَادِفِ:

- (۱) مَوْعِظَةٌ = حِكْمَةٌ (۲) سَكُوتٌ = صَمْتٌ (۳) أُرِيدُ = أَطْلُبُ (۴) يُحَافِظُ = يَهْتَمُّ

#### ۴۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْمُتَضَادِّ:

- (۱) حَابِسٌ ≠ جَبَّارٌ (۲) نَدَمٌ ≠ سرور (۳) يَضِلُّ ≠ يَهْتَدِي (۴) صَابِرٌ ≠ مُهَانَ



## ۴۸- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمُتَضَادِّ:

- (۱) سَخَطٌ ≠ جَلَمٌ (۲) أَقْبَحٌ ≠ أَجْمَلٌ (۳) فَخُورٌ ≠ مُتَوَاضِعٌ (۴) جَادِلٌ ≠ أَرْشَدٌ
- ۴۹- عَيْنُ الْمُتَضَادِّ لِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ: «نَهَى، اقْتَرَبَ، كَلَامٌ»
- (۱) أَمَرَ، ابْتَعَدَ، سُكُوتٌ (۲) مَنَعَ، انْكَسَرَ، سَكِينَةٌ (۳) طَلَبَ، يُبْعِدُ، حَدِيثٌ (۴) أَرَادَ، اسْتَقْبَلَ، صَمْتُ
- ۵۰- عَيْنُ الْمُرَادِفِ لِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ: «بِعَثَ، دَعَى، يُرْشِدُ»
- (۱) أَنْزَلَ، أَدْعَى، يَهْدِي (۲) نَقَلَ، إِنَّه، يُسَاعِدُ (۳) أَرْسَلَ، أَنْزَلَ، يَهْدِي (۴) سَبَّهَ، أَعْضَضَ، يُقَدِّمُ

## انتخاب کلمه مناسب

## ۵۱- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ ..... لِعِبَادِهِ.»

- (۱) أَنْفَعَهُمْ (۲) أَشَدَّهُمْ (۳) أَفْضَلُهُمْ (۴) أَعْلَمَهُمْ

## ۵۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «ذَهَبْتُ إِلَى ..... زَمِيلِي وَ ..... مِنْهُ سِرْوَالًا رِجَالِيًّا.»

- (۱) مَكْتَبَتِي / أَرِيدُ (۲) مَطْبَعَةٍ / لَمَزْتُ (۳) مَلْعَبٍ / أَنْقَذْتُ (۴) مَتَجَرٍ / اسْتَشْرَيْتُ

## ۵۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «..... حَيَوَانٌ يَسْتَخْدِمُهُ الْإِنْسَانُ لِلْحَمْلِ وَالرُّكُوبِ.»

- (۱) النَّعْلَبُ (۲) الْجِمَاؤُ (۳) الدَّئِبُ (۴) الْبَقْرَةُ

## ۵۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا فَهُوَ .....»

- (۱) جَبَّارٌ (۲) فَخُورٌ (۳) مُنْكَرٌ (۴) شَاتِمٌ

## ۵۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «..... هُوَ الْمُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا.»

- (۱) الْمُخْتَالُ (۲) الْمُعْجَبُ بِنَفْسِهِ (۳) الْجَبَّارُ (۴) الْمُهَانُ

## ترجمه جملات

## ■ عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ (۵۶ - ۶۸):

## ۵۶- «و فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ تَرَى لِقْمَانَ الْحَكِيمِ يُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ كُلُّهَا نَمَازُجَ تَرْبُويَةً.»:

- (۱) و در قرآن کریم لقمان حکیم را می بینیم که به پسرش سخنان پندآموز با ارزشی را تقدیم می کند که همه آنها نمونه های تربیتی هستند.
- (۲) و در قرآن کریم می بینیم لقمان حکیم را در حالی که به پسرانش نصیحت های ارزشمندی دارد و همه آنها نمونه های آموزشی هستند.
- (۳) و در قرآن کریم می بینیم لقمان حکیم به فرزندش موعظه های ارزشمندی می دهد که هر کدام از آنها نمونه ای تربیتی می باشند.
- (۴) و در قرآن کریم لقمان حکیم به پسرش نصیحت های با ارزشی تقدیم کرده است که همه آنها مثال های تربیتی هستند.

## ۵۷- ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾:

- (۱) و در راه رفتن خود تعادل داشته باش و صدای خود را آرام نگه دار، بی گمان بدترین صدا صدای خرهاست.
- (۲) و در راه رفتن میانه رو باش و با صدای پایین صحبت کن، زیرا صدای خرها صدای زشتی است.
- (۳) و در راه رفتن خود تعادل را نگه دار و صدای خودت را کم کن، به راستی جزء صداهای زشت است صدای خران.
- (۴) و در راه رفتن میانه روی کن و صدایت را پایین بیاور، قطعاً زشت ترین صداها صدای خران است.

## ۵۸- ﴿وَلَا تَصْعَقْ حَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾:

- (۱) و با تکبر رویت را از مردم برنگردان و با ناز و خودپسندی در زمین راه نرو؛ بدون شک خداوند هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.
- (۲) و با تکبر خودت را در برابر مردم خوار و کوچک نکن و در زمین با خودپسندی راه نرو که خداوند انسان خودپسند و مغرور را دوست ندارد.
- (۳) و با بی اعتنائی از مردم رویت را مگردان و با ناز و خرامان در زمین راه مرو چرا که پروردگارت، انسان خودپسند مغرور را دوست نمی دارد.
- (۴) و صورتت را از دیگران با تکبر برنگردان و با فخر و غرور بر زمین راه نرو؛ قطعاً خداوند همه خودپسندان و فخرفروشان را دوست نمی دارد.

۵۹- «علینا أن نكونَ مشتاقینَ إلى الأعمالِ الصَّالِحَةِ و ناهینَ عَنِ المنْكَرِ و صابِرینَ علی المَشَاكِلِ و الشَّدَائِدِ.»:

- (۱) ما به کارهای شایسته مشتاق هستیم و از کارهای زشت نهی می‌کنیم و بر مشکلات و دشواری‌ها صبر می‌کنیم.
- (۲) ما باید به کار شایسته مشتاق باشیم و نسبت به کار زشت دوری بورزیم و در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها صبور باشیم.
- (۳) بر ما واجب است که برای کارهای خوب اشتیاق نشان دهیم و از کارهای زشت بر حذر داریم و بر مشکلات و سختی صبرکننده باشیم.
- (۴) ما باید به کارهای شایسته علاقمند باشیم و از کار زشت باز بداریم و در برابر مشکلات و سختی‌ها صبور باشیم.

۶۰- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾:

- (۱) خداوند آرامشش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل کرد!
- (۲) پروردگار آرامش خود را برای پیامبر و مؤمنان فرود می‌آورد.
- (۳) خداوند، آرامش را بر فرستادگان و مؤمنان نازل کن!
- (۴) آرامش را خداوند فقط بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاده است.

۶۱- ﴿و جَادِلْهُمْ بِلَاَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾:

- (۱) با آن‌ها آن‌گونه که خوب است مباحثه کن؛ خداوند تو به گمراهان از راه راست داناتر است.
- (۲) با آن‌ها به روشی که نیکوتر است استدلال کن؛ به راستی پروردگارت نسبت به کسی که از راه او گمراه شده، آگاه‌تر است.
- (۳) با روش‌های بهتر با آن‌ها بحث کن؛ پروردگارت به هر کس که از راه او گمراه شود، داناتر است.
- (۴) با ایشان با زبان و گفتار نیک گفت‌وگو کن؛ قطعاً خدا نسبت به کسانی که از راه او منحرف شوند، داناتر است و علم دارد.

۶۲- «أَرَادَ أَنْ يَسْبَ الْأَذَى كَانَ سَبَّهُ: فَقَالَ الْإِمَامُ (ع) لَهُ: مَهْلًا يَا قَتْبَرُ.»:

- (۱) خواست که دشنام دهد به کسی که به او ناسزا می‌گفت؛ پس امام (ع) فرمود: ای قنبر، رهایش کن.
- (۲) خواست به کسی که به او ناسزا گفته بود، دشنام دهد؛ پس امام (ع) به او فرمود: ای قنبر، آرام باش.
- (۳) می‌خواست به کسی که به او ناسزا گفت، دشنام گوید؛ اما امام (ع) به او فرمود: ای قنبر، این کار را نکن.
- (۴) می‌خواست کسی را که ناسزا گفته بود، مورد دشنام و نفرت قرار دهد؛ اما امام (ع) فرمودند: ای قنبر، صبر کن.

۶۳- «دَعَّ شَاتِمَكَ مَهَانًا تَرْضِي الرَّحْمَنَ وَ تُسَخِّطُ الشَّيْطَانَ وَ تُعَاقِبُ عَدُوَّكَ.»:

- (۱) دشنام‌گوی خود را خوار رها کن تا خدای بخشاینده را خشنود سازی و اهریمن را خشمگین کنی و دشمنت را کیفر دهی.
- (۲) دشنام‌گوی خود را خوار کن تا خداوند رحمان از تو خشنود شود و شیطان خشمگین شود و دشمنت را کیفر دهی.
- (۳) به دشنام‌گوی خود بی‌توجهی کن و با خواری او را رها ساز که در این صورت خداوند از تو راضی می‌شود و شیطان خشمگین می‌شود و دشمنت کیفر می‌بیند.
- (۴) به ناسزاگو اهمیتی نده که همان‌طور خوار باشد تا خدا را از خود راضی کنی و شیطان را خشمگین کنی و دشمن را مجازات نمایی.

۶۴- «مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمَثَلِ الْجَلْمِ وَ لَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمَثَلِ الصَّمْتِ وَ لَا عَوْقِبَ الْأَحْمَقُ بِمَثَلِ السَّكُوتِ عَنَّهُ.»:

- (۱) انسان مؤمن را با صبر و بردباری خشنود نکن و شیطان را با سکوت خشمگین نکن و نادان را با سکوت کردن در برابر او مجازات نکن.
- (۲) مؤمن پروردگار خود را با [چیزی] مانند بردباری خشنود کرد و شیطان را با [چیزی] مانند سکوت خشمگین ساخت پس تو هم انسان احمق را با [چیزی] مانند سکوت مجازات نکن.
- (۳) مؤمن پروردگارش را با [چیزی] مانند بردباری خشنود نکرد و اهریمن را با [چیزی] همانند خاموشی خشمگین ساخت و نادان با [چیزی] همانند دم فرو بستن در برابرش کیفر نشد.
- (۴) مؤمن پروردگار را با [چیزی] مثل صبر و بردباری راضی نمی‌کند و شیطان را با سکوت خشمگین نمی‌سازد و انسان احمق با این سکوت مجازات نمی‌شود.

۶۵- ﴿إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ﴾:

- (۱) قطعاً من برای تمام کردن بزرگی‌های اخلاق آمده‌ام.
- (۲) من فقط فرستاده شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل کنم.
- (۳) بدون شک او فرستاده شد تا فضیلت‌های اخلاقی کامل شود.
- (۴) او تنها برای کامل کردن ویژگی‌های پسندیده اخلاقی فرستاده شده است.

### ۶۶- ﴿لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ﴾:

- (۱) در روز قیامت برای انسان مؤمن چیزی گران‌ب‌تر از خوش‌اخلاقی یافت نمی‌شود.
- (۲) اندازه اخلاق زیبا در مؤمن در روز قیامت سنگین‌تر از هر چیزی است.
- (۳) ترازوی انسان با ایمان در روز رستاخیز به وسیله خوش‌اخلاقی او سنگین می‌شود.
- (۴) روز قیامت در ترازوی مؤمن چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.

### ۶۷- «تَبَدُّدُ الْأَسْعَازِ مِنْ خَمْسَةِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا وَ تَصِلُ إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومَانٍ»:

- (۱) قیمت‌ها از سی و پنج هزار شروع می‌شود و به هشتاد و پنج هزار تومان می‌رسد.
- (۲) نرخ از هشتاد و پنج هزار به سی و پنج هزار تومان می‌رسد.
- (۳) قیمت‌ها از سی و پنج هزار شروع شد و تا هفتاد و پنج هزار تومان رسید.
- (۴) فروش اجناس با پنجاه و سه هزار آغاز می‌شود و تا پنجاه و هشت هزار تومان می‌رسد.

### ۶۸- «فِي مَتَجَرِّ صَدِيقَتِي طَلَبْتُ مِنْهَا أَنْ تُعْطِيَنِي التَّخْفِيفَ لِأَسْتَطِيعَ أَنْ أَشْتَرِيَ قَمِيصًا»:

- (۱) در فروشگاه از دوستم خواستم که به من تخفیف بدهد تا بتوانم پیراهنی بخرم.
- (۲) در فروشگاه دوستم از فروشنده خواستم تخفیف دهد تا پیراهن‌ها را پسند کنم.
- (۳) در مغازه از مغازه‌دار خواهش کردم قیمت را کاهش دهد تا من بتوانم پیراهن را بخرم.
- (۴) در مغازه دوستم از او خواستم که به من تخفیف دهد تا بتوانم یک پیراهن بخرم.

### ۶۹- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) صارَ الْمَبْلَغُ مِئْتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَانٍ: قیمت‌ها به دویست و سی هزار می‌رسد.
- (۲) ذَلِكَ مَتَجَرِّ أَبِي، كَيْفِيَّةُ الْأَجْناسِ فِيهِ عَالِيَةٌ: این کارخانه پدرم است، کیفیت اجناس آن‌ها بالاست.
- (۳) كَمْ يَسَعُرُ هَذَا التُّسْتَانِ؟ وَ هَلْ فِيهِ تَخْفِيفٌ؟: قیمت این پیراهن زنانه چند است؟ و آیا آن تخفیف دارد؟
- (۴) يُعَلِّمُ الْمَدْرَسَ مِئَةَ طَالِبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةِ: معلّم عملیات ریاضی را به صد نفر از دانش‌آموزان خودش آموزش داد.

### ۷۰- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ: بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند باشد.
- (۲) السَّكُوتُ دَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ: سکوت از جنس طلا و کلمات از جنس نقره هستند.
- (۳) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: داناترین مردمان کسانی هستند که علم خودشان را در کنار علم دیگر مردمان جمع کرده باشند.
- (۴) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

### ۷۱- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾: خدا کسی را به اندازه ظرفیت او مجبور نمی‌کند.
- (۲) ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾: خداوند آرامش خود را بر پیامبر و بر مؤمنان نازل می‌کرد.
- (۳) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: بی‌گمان من فرستاده شدم تا خصلت‌های بزرگوارانه اخلاقی را کامل کنم.
- (۴) إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجِبٍ بِنَفْسِهِ: بدون شک خداوند، همه خودپسندان را دوست نمی‌دارد.

### ۷۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- (۱) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ: دشمن خردمند بهتر از دوست نادان است.
- (۲) رَبُّ سَكُوتٍ أْبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ: چه بسیار سکوتی که رساتر از سخن‌گفتن است.
- (۳) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
- (۴) إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ: به راستی خداوند متکبران را دوست ندارد.



٧٣- عَيِّن الصَّحِيحَ:

- ١) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ: هر كس اخلاقش بد باشد، خودش عذاب می‌كشد.
- ٢) حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ: خوش اخلاقی نصف دین است.
- ٣) رِجَاءٌ، أُعْطِنِي سِرْوَالًا بِنَفْسِجِيًّا: امیدوارم به من شلوار بنفش رنگ بدهید.
- ٤) اِقْتَصِدْ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَوَادِّ لِیَهْتَدِيَ بِه الشَّبَابُ: در مصرف مواد صرفه جویی می‌کنی تا جوانان را به آن هدایت کنی.

تطبيق با واقعیّت

٧٤- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- ١) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يَنْفَعُونَ النَّاسَ.
- ٢) لَا تَعْمُرُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ.
- ٣) إِنَّ اللَّهَ هُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.
- ٤) يُحِبُّ أَنْ لَا تَرْفَعِ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ.

٧٥- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- ١) الْجِمَارُ حَيَوَانٌ يُسْتَحْدَمُ لِلْحَمْلِ وَالرُّكُوبِ.
- ٢) أَحَبُّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ يَنْفَعُ الْآخِرِينَ.
- ٣) الْخَدُّ عَضُوٌّ فِي الْوَجْهِ.
- ٤) حَزَمَ اللَّهُ تَعَالَى الْمُجَادَلَةَ وَالْغِيْبَةَ.

٧٦- عَيِّن الصَّحِيحَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- ١) يَذْهَبُ النَّاسُ إِلَى الْمَلْعَبِ لِأَكْلِ الطَّعَامِ.
- ٢) الْمَطْبَعَةُ مَكَانٌ لِمُطَالَعَةِ الْمَعَاجِمِ وَالْكَتِّبِ.
- ٣) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنْ ذِكْرِ حَسَنَاتِ الْآخِرِينَ.
- ٤) يُحِبُّ النَّاسُ مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ.

٧٧- عَيِّن الصَّحِيحَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- ١) الْمَعْمَلُ عُرْفَةٌ تُعَسَلُ فِيهَا الْمَلَابِيسُ.
- ٢) السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.
- ٣) يَذْهَبُ النَّاسُ لِشِرَاءِ السَّيَّارَةِ إِلَى الْمُتَحَفِ.
- ٤) جَبَلٌ «دِمَاوند» أَعْلَى جِبَالِ إِبْرَانَ وَ هُوَ جَمِيلٌ جِدًّا.

٧٨- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- ١) إِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ زَائِدٌ ثَمَانِيَةٌ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.
- ٢) مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.
- ٣) أَرْبَعَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ عَشَرَ.
- ٤) عِشْرُونَ نَاقِصٌ خَمْسَةٌ يُسَاوِي خَمْسَةَ عَشَرَ.



## پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

## ۱۱ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

کلمات «مَجْلِس، مَنظَر، مَزْرَعَة، مَغْرِب، مَشْبَح» در گزینه‌های دیگر همگی اسم مکان هستند.

**توجه:** «مَرَحْمَة» در گزینه (۳) اگرچه بر وزن «مَفْعَلَة» است ولی به معنای «مهربانی» و مصدر است و اسم مکان نیست.

۱۲ ۳ «دُنیا» بر وزن «فَعْلَى» اسم تفضیل مؤنث است. «مَزْرَعَة» بر وزن «مَفْعَلَة» و «أَخْرَة» نیز بر وزن «فَاعِلَة» می‌باشد.

۱۳ ۴ «مَحْرُون» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مفعول است. «مُصَدِّق» چون با حرف «م» شروع شده و حرف ماقبل آخر آن کسره دارد، اسم فاعل است. «أَعْلَى» نیز بر وزن «أَفْعَل» است و اسم تفضیل می‌باشد.

۱۴ ۲ «عُظْمَى» بر وزن «فَعْلَى» اسم تفضیل مؤنث است.

۱۵ ۱ **ترجمه عبارت:** این بازیکن از دوستش قوی‌تر است.

۱۶ ۲ «أَشَدُّ» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

**دقت کنید:** «أَحْمَر» هر چند بر وزن «أَفْعَل» است، ولی چون بر رنگ دلالت می‌کند، اسم تفضیل نیست.

۱۷ ۲ **ترجمه عبارت:** بلکه زندگی دنیا را برمی‌گزینید در حالی‌که آخرت بهتر و ماندنی‌تر است.

۱۸ ۲ **توجه:** کلمات «أَخْضَر» (سبز) و «أَبْيَض» (سفید) در گزینه‌های (۱) و (۴) هرچند بر وزن «أَفْعَل» هستند، ولی چون بر رنگ دلالت دارند اسم تفضیل نیستند. همچنین «أَغْصَان» در گزینه (۳) جمع مکسر «عُصْن» است.

۱۹ ۲ **نکته:** همان‌طور که در بخش قواعد گفتیم، کلماتی مثل «مَطَار، مَزَار، مَكَان، مَدَار، ...» بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان هستند.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «مَحْمِيْدَة» بر وزن «مَفْعَلَة» است نه «مَفْعَلَة».

(۳) «سوق» به معنی «بازار» اگرچه بر مکان دلالت می‌کند ولی اسم مکان نیست.

(۴) «مُجَالْسَة» بر وزن «مُفَاعَلَة» و مصدر است.

۲۰ ۳ «أَخْر» و مؤنث آن «أَخْرَة» اسم فاعل هستند.

۲۱ ۲ «أَوْلَى» بر وزن «فَعْلَى» و اسم تفضیل مؤنث است.

۲۲ ۲ **ترجمه سؤال:** عبارتی را مشخص کن که در آن اسم فاعل و اسم تفضیل با هم آمده باشد.

«البائع» اسم فاعل و «أَحْسَن» اسم تفضیل است.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

«أَطْوَل» در گزینه (۱) اسم تفضیل است. «العاقِل» و «المُحْسِن» نیز در گزینه‌های (۳) و (۴) اسم فاعل هستند.

**دقت کنید:** «أَقْبَل» در گزینه (۴) فعل ماضی در باب «إفعال» است؛ آن را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید.

۱ ۱ اسم مکان بر وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» می‌آید.

۲ ۳ «أَهْم» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «تَوَاب» بر وزن «فَعَال» و اسم مبالغه است.

(۲) «مَوْضِع» بر وزن «مَفْعِل» است؛ بنابراین اسم مکان می‌باشد.

(۴) «المُؤْمِنِيْنَ» جمع «المُؤْمِن» است که با حرف «م» شروع شده و یک حرف مانده به آخر آن کسره دارد، پس اسم فاعل است.

۳ ۲ «مُؤَدَّب» با حرف «م» شروع شده و حرف ماقبل آخر آن فتحه دارد (م... م... م...); بنابراین اسم مفعول است.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مُعَلِّم (م... م... م...) با حرف «م» شروع شده و حرف ماقبل آخر آن کسره دارد، پس اسم فاعل است.

(۳) «خَيْر» اگر به معنی «بهتر، بهترین» باشد، اسم تفضیل است. (در این گزینه معنی «بهترین» می‌دهد.)

(۴) «مَدْرَسَة» بر وزن «مَفْعَلَة» و اسم مکان است.

۴ ۲ «كُفَّار» جمع «كَافِر» است و «كَافِر» بر وزن «فَاعِل» و اسم فاعل است. **نکته:** برای تشخیص ویژگی‌های اسمی که جمع است، باید به مفرد آن مراجعه کنیم.

۵ ۲ «مَكْتَب» بر وزن «مَفْعَل» اسم مکان است نه اسم مفعول.

۶ ۱ «أَحَبَّ» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

## بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) «أَجِبَّ» فعل مضارع در صیغه اول شخص مفرد است.

(۳) «مَحْبُوب» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مفعول است.

(۴) «حَبِيب» نیز بر وزن «فَعِيل» است؛ بنابراین نمی‌تواند اسم تفضیل باشد. ۷ ۳ کلمات «مَطْعَم»، «مَدَارِس» (جمع «مَدْرَسَة») و «مَنَاظِر» (جمع «مَنظَر») اسم مکان هستند.

۸ ۴ «مُشَاهَد» اسم مفعول است؛ چون با حرف «م» شروع شده و ماقبل آخر آن فتحه دارد.

**توجه:** «مُشَاهَد» (اسم مفعول) را با «مُشَاهَدَة» (مصدر) اشتباه نگیرد.

۹ ۴ «أَحَبَّ» بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

**ترجمه عبارت:** یوسف نزد پدرمان از ما محبوب‌تر است.

۱۰ ۳ «أَرْكَبِي» بر وزن «أَفْعَل»، «مَرْقَد» بر وزن «مَفْعَل» و «وَرَثَة» جمع «وَارِث» بر وزن «فَاعِل» است.

**نکته:** همان‌طور که می‌بینید برای تشخیص نوع اسم (اسم فاعل، اسم مکان، ...) در جمع‌های مکسر مانند «وَرَثَة» باید به مفرد آن‌ها توجه کنیم.

**۲۲ ۱ ترجمه سؤال:** جوابی را مشخص کن که شامل اسم مکان یا اسم

تفضیل نیست.

**توجه:** «أَنْكَرَ» فعل ماضی در باب «إِفْعَال» است و نباید آن را با اسم تفضیل اشتباه گرفت.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) «حُسْنَى» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فُعْلَى» است.

(۳) «مَوَاطِنَ» جمع «مَوْطِنٍ» بر وزن «مَفْعُول» و اسم مکان است.

(۴) «الْأَعْلُونَ» جمع «الْأَعْلَى» و اسم تفضیل است.

**۲۴ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:** اسم‌های «مَدَخْلٌ»، «مَقْصَدٌ» و «مَوَاضِعٌ»

(جمع «مَوْضِعٌ») در گزینه‌های دیگر اسم مکان هستند.

**۲۵ ۴ اشتباه نکنید:** «أَحْسَنَ» فعل ماضی در باب «إِفْعَال» است و اسم

تفضیل نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** اسم‌های «أَحْسَنَ»، «أَخْرَى» بر وزن «فُعْلَى» (مؤنث «أَخْرَى» و «أَجْمَلَ» اسم تفضیل هستند.

**۲۶ ۴ «أَصْدَقَ»** بر وزن «أَفْعَلَ» و اسم تفضیل است.

**توجه:** «أَصْدَقَ» در گزینه (۳) فعل مضارع در صیغه اول شخص مفرد

(متکلم و حده) است؛ آن را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید.

**۲۷ ۳ اسم‌های «أَكْثَرَ»، «الْآخِرِينَ» و «أَحْسَنَ»** اسم تفضیل هستند (۳ تا)؛

«أَجِبَّ» نیز فعل مضارع در صیغه اول شخص مفرد (متکلم و حده) است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) «أَنْفَعُ» و «أَحَبَّ» اسم تفضیل هستند. (۲ تا)

(۲) در این گزینه اسم تفضیل وجود ندارد. کلمات «أَعْمَلُ» و «أَعْلَمُ» نیز در این گزینه فعل مضارع در صیغه اول شخص مفرد هستند.

(۴) «أَهَمَّ» اسم تفضیل است. «إِعْلَمَ» نیز فعل امر حاضر در صیغه دوم شخص

مفرد مذکر (مفرد مذکر مخاطب) می‌باشد. (یکی)

**ترجمه گزینه‌ها:**

(۱) سودمندترین بندگان برای مردم، نزد خداوند محبوب‌تر است.

(۲) خوبی می‌کنم زیرا می‌دانم که عاقبت بدی پشیمانی است.

(۳) این استاد را بیشتر از دیگران دوست دارم زیرا او بهترین اساتید است.

(۴) بدان که شجاعت سپاه، مهم‌تر از تعداد آن‌هاست.

**۲۸ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) «مُرْشِدٌ» (مُرْ - ... - ...) اسم فاعل است.

(۳) «مُنْتَظَمٌ» (مُنْ - ... - ...) اسم مفعول است.

(۴) «مَحَبَّةٌ» به معنای «دوستی» مصدر است.

**۲۹ ۴ «مَقْبِرَةٌ»** به معنای «آرامگاه» بر وزن «مَفْعَلَةٌ» بوده و اسم مکان است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** در گزینه‌های دیگر «مُعْتَمِدٌ» اسم مفعول، «المؤمنون»

اسم فاعل و «مَعْرِفَةٌ» مصدر است.

**۳۰ ۳ «أَنْفَعُ»** اسم تفضیل و «مَدْرَسَةٌ» اسم مکان است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) «أَعْجَزَ» اسم تفضیل است. در این گزینه اسم مکان نداریم.

(۲) «المكتبة» اسم مکان است. در این جمله اسم تفضیل نداریم.

**دقت کنید:** «أَرْجَعُ» فعل مضارع در صیغه اول شخص مفرد (متکلم و حده)

است؛ آن را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید.

(۴) در این گزینه نه اسم تفضیل وجود دارد و نه اسم مکان. «أَكْرَمَ» فعل ماضی

باب «إِفْعَال» است. «المؤدّة» (دوستی) و «المزحمة» (مهربانی) نیز مصدر هستند.

**۳۱ ۴ همان‌گونه که در بخش قواعد ذکر کردیم، «خَيْرٌ»** اگر به معنی «بهتر،

بهترین» باشد، اسم تفضیل است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) «أَخْبَرَ» فعل ماضی در باب «إِفْعَال» است.

(۲) «إِجْتَلَى» فعل امر در صیغه دوم شخص مفرد مذکر (مفرد مذکر مخاطب) است.

(۳) «أَنْجَحَ» فعل مضارع در صیغه اول شخص مفرد (متکلم و حده) است.

**۳۲ ۱ ترجمه سؤال:** اسم مکانی را مشخص کن که مفعول باشد.

«المدرسة» اسم مکان و در نقش مفعول است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) «مکان» و «مزرعة» هر دو اسم مکان و در نقش مجرور به حرف جر می‌باشند.

(۳) «مکتب» اسم مکان و در نقش فاعل است.

(۴) «مطعم» اسم مکان است ولی مفعول نیست.

**۳۳ ۳ ترجمه سؤال:** گزینه‌ای را مشخص کن که در آن کلمه «خَيْرٌ» اسم

تفضیل باشد.

گفتیم که «خَيْرٌ» اگر به معنای «بهتر، بهترین» باشد، اسم تفضیل است و در

غیر این صورت اسم تفضیل نیست.

**ترجمه گزینه‌ها:**

(۱) تلاشگر در [راه] نیکی، نزد مردم دوست‌داشتنی است.

(۲) رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را بپرستید و کار نیک انجام دهید.

(۳) و نیکی‌های ماندگار، نزد پروردگارت از نظر پاداش بهتر هستند.

(۴) هر کس به اندازه ذره‌ای کار نیک انجام دهد، آن را می‌بیند.

**۳۴ ۳ ترجمه سؤال:** اسم تفضیلی را مشخص کن که مبتدا باشد.

«أَكْثَرُ» اسم تفضیل و در نقش مبتداست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) «أَذْكَى» اسم تفضیل است ولی در نقش فاعل قرار دارد.

(۲) «آخِرِينَ» اسم تفضیل است ولی در نقش مجرور به حرف جر می‌باشد.

**توجه:** «الْخَيْرِ» در این گزینه مبتداست ولی حواستان باشد که اسم تفضیل

نیست؛ چون به معنای «بهتر، بهترین» نمی‌باشد.

(۴) «أَسْرَعُ» اسم تفضیل و در نقش صفت است.

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) باهوش‌ترین دانش‌آموزان به مسابقات علمی جهانی رفتند.  
 (۲) نیکی آن است که برای دیگران آن‌چه را بخواهی که برای خودت می‌خواهی.  
 (۳) بیشترین مردم از نظر نزدیک بودن (نزدیک‌ترین مردم) به خدا کسی است که راستگو باشد.  
 (۴) ماشینی سریع‌تر از این ماشین ندیدم.

**۳ ۳۵ ترجمه سؤال:** اسم تفضیلی را مشخص کن که در نقش خبر باشد.  
 «خَيْرٌ» در گزینه (۳) اسم تفضیل و در نقش خبر است.

## بررسی سایر گزینیه‌ها:

- (۱) «أَنْفَعٌ» اسم تفضیل است و در نقش مبتدا قرار دارد. «الْآخِرِينَ» نیز اسم تفضیل و مضاف‌الیه است.  
 (۲) «أَجْمَلٌ» اسم تفضیل است ولی در نقش مفعول می‌باشد.  
 (۴) «أَجْمَلٌ» اسم تفضیل و در نقش مجرور به حرف جر است.

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) سودمندترین مردم کسی است که برای خدمت به دیگران کار می‌کند.  
 (۲) زیباترین خانه‌ها را در سفرم به شمال ایران دیدم.  
 (۳) دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.  
 (۴) این کوه‌ها از زیباترین منظره‌های طبیعی در استان ماست.

**۳ ۳۶ ترجمه درست سایر گزینیه‌ها:**

- (۱) آن‌ها را راهنمایی می‌کنند (۲) راه نرو (۴) فروتنی می‌کنیم  
**۳ ۳۷ ترجمه درست:** بازدار (فعل امر است).

**۲ ۳۸ ترجمه درست:** آزاد؛ خواست (فعل ماضی در صیغه سوم شخص مفرد مذکر است).

**۱ ۳۹**

**۳ ۴۰** «لَا تَنْكِسِرُ» فعل مضارع منفی است. [رد گزینیه (۲)]: «أَنْ» نیز به معنای «که» می‌باشد. [رد سایر گزینیه‌ها]

**۴ ۴۱**

**۱ ۴۲** «نَمُوذَجٌ» مفرد است [رد گزینیه (۲)] / «السَّبَابُ» نیز جمع است [رد گزینیه (۴)]

**۳ ۴۳** «نَقْتَصِدُ» به خاطر وجود «أَنْ» قبل از آن، باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود. [رد گزینیه (۲)]

**۲ ۴۴ ترجمه گزینیه‌ها:**

- (۱) رساتر ≠ سخت‌تر (۲) کارگاه، کارخانه = کارخانه  
 (۳) برتر = سودمندتر (۴) ورزشگاه ≠ آشپزخانه

**۳ ۴۵ ترجمه گزینیه‌ها:**

- (۱) زشت‌تر = زشت‌تر (۲) گران ≠ ارزان  
 (۳) قیمت‌ها = ارزش، بها (۴) دوستی ≠ دشمنی

**۴ ۴۶ ترجمه گزینیه‌ها:**

- (۱) پند = حکمت (۲) سکوت = سکوت  
 (۳) می‌خواهم = می‌خواهم (۴) نگهداری می‌کند = توجه می‌کند

**۳ ۴۷ ترجمه گزینیه‌ها:**

- (۱) حسابگر ≠ ستمکار (۲) پشیمانی ≠ خوشحالی  
 (۳) گمراه می‌شود ≠ هدایت می‌شود (۴) شکبیا ≠ خوار

**۴ ۴۸ ترجمه گزینیه‌ها:**

- (۱) خشم ≠ بردباری (۲) زشت‌تر ≠ زیباتر  
 (۳) فخر فروش ≠ فروتن (۴) ستیز کرد ≠ راهنمایی کرد

**۱ ۴۹ ترجمه کلمات سؤال:** «باز داشت، نزدیک شد، سخن»

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) دستور داد، دور شد، سکوت (۲) باز داشت، شکسته شد، آرامش  
 (۳) درخواست کرد، دور می‌کند، سخن (۴) خواست، به پیشواز رفت، سکوت

**۳ ۵۰ ترجمه کلمات سؤال:** «فرستاده شد، رهاکن، راهنمایی می‌کند»

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) نازل شد، فرا بخوان، راهنمایی می‌کند  
 (۲) منتقل شد، باز دار، کمک می‌کند  
 (۳) فرستاده شد، رها کن، راهنمایی می‌کند  
 (۴) تشبیه شد، پایین بیاور، تقدیم می‌کند

**۱ ۵۱ ترجمه عبارت:** «محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند، ..... برای

## بندگان است.»

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) سودمندترین آن‌ها (۲) سخت‌ترین آن‌ها  
 (۳) برترین آن‌ها (۴) داناترین آن‌ها

**۴ ۵۲ ترجمه عبارت:** «به ..... همکارم رفتم و از او یک شلوار مردانه

## .....»

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) کتابخانه / می‌خواهم (۲) چاپخانه / عیب‌جویی کردم  
 (۳) ورزشگاه / نجات دادم (۴) مغازه / خریدم

**۲ ۵۳ ترجمه عبارت:** «..... حیوانی است که انسان آن را برای حمل

## کردن و سوار شدن به کار می‌گیرد.»

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) روباه (۲) الاغ (۳) گریگ (۴) گاو

**۲ ۵۴ ترجمه عبارت:** «انسانی که به خودش بسیار افتخار می‌کند، ..... است.»

## ترجمه گزینیه‌ها:

- (۱) ستمکار زورمند (۲) فخر فروش  
 (۳) کار زشت (۴) دشنام‌دهنده

۳۵۵ ترجمه عبارت: «.....همان زورگویی است که برای کسی حقی رانمی بیند.»

ترجمه گزینه‌ها:

۱) خودپسند ۲) خودپسند ۳) ستمکار زورمند ۴) خوار

۱۵۶ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۲) پسرانش — پسرش («این» مفرد است.) / دارد — تقدیم می‌کند / و — که / آموزشی — تربیتی

۳) می‌بینیم لقمان حکیم — لقمان حکیم را می‌بینیم («لقمان» مفعول است.) / فرزندش — پسرش / هر کدام از آن‌ها — همه آن‌ها / نمونه‌ای — نمونه‌هایی («نماذج» جمع «نمذج» است.)

۴) ترجمه نشدن «نَری» / عدم ترجمه «لقمان حکیم» به عنوان مفعول / تقدیم کرده است — تقدیم می‌کند («یَقْدِمُ» فعل مضارع است.)

۴۵۷ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۱) آرام نگه‌دار — پایین بیاور / بدترین صدا — زشت‌ترین صداها («الأصوات» جمع است.)

۲) راه رفتن — راه رفتن / با صدای پایین صحبت کن — صدایت را پایین بیاور / صدای خرها صدای زشتی است — زشت‌ترین صداها صدای خران است

۳) صدای خودت را کم کن — صدایت را پایین بیاور / جزء صداها زشت است صدای خران — زشت‌ترین صداها صدای خران است

حل سریع: آنکر الأصوات: زشت‌ترین صداها [ردّ سایر گزینه‌ها]

۱۵۸ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۲) خودت را — رویت را / خوار و کوچک نکن — برنگردان / در برابر مردم — از مردم / ترجمه نشدن «كُلَّ»

۳) پروردگارت — پروردگار / ترجمه نشدن «كُلَّ»

۴) دیگران — مردم / همه خودپسندان و فخرپروشان — هر خودپسند فخرپروشی

۴۵۹ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۱) ترجمه نشدن «عَلَيْنَا» / هستیم — باشیم («أَنْ نَكُونَ» معادل مضارع التزامی است.) / نهی می‌کنیم — نهی کنیم / صبر می‌کنیم — صبر کنیم

۲) کار — کارها («أعمال» جمع «عمل» است.) / نسبت به — از / دوری بورزیم — باز داریم

۳) کارهای زشت — کار زشت («الْمَنَكِر» مفرد است.) / سختی — سختی‌ها («الشَّدَائِد» جمع است.)

۱۶۰ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۲) پیامبر — پیامبرش / فرود می‌آورد — فرود آورد («أَنْزَلَ» فعل ماضی است.)

۳) خداوند — خداوند / آرامش — آرامش / فرستادگان — فرستاده‌اش (اولاً «رسول» مفرد است؛ ثانیاً ضمیر «ه» در «رسوله» باید ترجمه شود.) / مؤمنان — مؤمنان / نازل کن — نازل کرد

۴) آرامش — آرامش، آرامش خود / زاید بودن «فقط»

۲۶۱ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۱) خوب است — خوبتر است / گمراهان — کسی که گمراه شده است / راه راست — راه او

۳) با روش‌های بهتر — با روشی که بهتر است / هر کس که — کسی که / همراه شود — همراه شده است / داناست — داناتر است

۴) با زبان و گفتار نیک — با روشی که بهتر است / خدا — خدایت / کسانی که — کسی که (با توجه به مفرد بودن «ضَلَّ»، «مَنْ» باید «کسی که» ترجمه شود.) / منحرف شوند — منحرف شده است / زاید بودن «علم دارد»

۲۶۲ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۱) ناسزا می‌گفت — ناسزاگفته بود / ترجمه نشدن «له» / رهاش کن — آرام باش

۳) می‌خواست — خواست («أَرَادَ» فعل ماضی ساده است.) / ناسزاگفت — ناسزاگفته بود («كَانَ سَبَّه» معادل ماضی بعید است.) / این کار را نکن — آرام باش

۴) می‌خواست — خواست / زاید بودن «نفرت» / ترجمه نشدن «لَه»

۱۶۳ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۲) خوار کن — خوار رها کن / خداوند رحمان از تو خشنود شود — خداوند رحمان را خشنود سازی («الرَّحْمَن» مفعول است نه فاعل.) / شیطان خشمگین شود — شیطان را خشمگین کنی («الشَّيْطَان» مفعول است.)

۳) زائد بودن «بی توجهی کن» / که — تا / زاید بودن «در این صورت» / خدا از تو راضی می‌شود — خدا را خشنود سازی / شیطان خشمگین می‌شود — شیطان را خشمگین کنی / دشمنت کیفر دهی

۴) ناسزاگو — ناسزاگوی خود / اهمیتی نده که همان‌طور خوار باشد — خوار رها کن («دَعَّ» فعل امر است.) / زاید بودن «از خود» / دشمن دشمنت

حل سریع: تُرَضِ الرَّحْمَنُ: خدای بخشنده را خشنود سازی [ردّ سایر گزینه‌ها]

۳۶۴ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۱) انسان مؤمن را — انسان مؤمن («المؤمن» فاعل است.) / ترجمه نشدن «رَبَّه» و «بمثل» (هرسه) / خشنود نکن — خشنود نشد / خشمگین نکن

۲) خشمگین نکرد / نادان را — نادان («الأحمق» فاعل است.) / مجازات نکن — مجازات نشد

۲) خشنود کرد — خشنود نکرد / پس — و / زاید بودن «تو هم» / انسان احمق را — انسان احمق («الأحمق» فاعل است.) / مجازات نکن — مجازات نشد

۴) پروردگار — پروردگارش / ترجمه نشدن «بمثل» (دوم و سوم) / زاید بودن «این» / عدم ترجمه «عَنْه»

۲۶۵ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۱) آمده‌ام — فرستاده شده‌ام / برای تمام کردن — تا تمام کنم («لَأَتِمَّ» فعل است.)



**۷۱ ۳ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:**

- (۱) خداوند کسی را جز به اندازه ظرفیت او (توانایی او) تکلیف نمی‌کند.
- (۲) پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.
- (۴) بی‌گمان خداوند هیچ خودپسندی را دوست ندارد.

**۷۲ ۱ ترجمه درست: «دشمنی خردمند بهتر از دوستی نادان است.»****۷۳ ۲ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:**

- (۱) هرکس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.
- (۳) لطفاً، به من یک شلوار بنفش بده.
- (۴) در مصرف مواد صرفه‌جویی کن تا جوانان به آن هدایت شوند.

**۷۴ ۲ ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) قطعاً خداوند کسانی را که به مردم سود می‌رسانند، دوست دارد.
- (۲) حکمت در قلب [انسان] فروتن ماندگار نمی‌شود.
- (۳) قطعاً خداوند سریع‌ترین حسابگران و مهربان‌ترین مهربانان است.
- (۴) ما نباید صدایمان را بر صدای کسی که با او صحبت می‌کنیم، بلند کنیم. (ما نباید صدایمان را از صدای کسی که با او صحبت می‌کنیم، بالاتر ببریم.)

**۷۵ ۴ ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) الاغ حیوانی است که برای حمل و نقل و سوار شدن به کار گرفته می‌شود.
- (۲) محبوب‌ترین مردم نزد خداوند کسی است که به دیگران سود می‌رساند.
- (۳) گونه عضوی در صورت است.
- (۴) خداوند والامرتبه مجادله و غیبت را حرام کرده است.

**۷۶ ۴ ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) مردم برای خوردن غذا به ورزشگاه می‌روند.
- (۲) چاپخانه جایی است برای مطالعه و ژورنال‌ها و کتاب‌ها.
- (۳) ما باید از ذکر خوبی‌های دیگران دوری کنیم.
- (۴) مردم کسی را که اخلاقش نیکوست، دوست دارند.

**۷۷ ۴ ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) کارخانه اتافی است که در آن لباس‌ها شسته می‌شود.
- (۲) تلاش برای شناختن رازهای دیگران کار زیبایی است.
- (۳) مردم برای خریدن ماشین به موزه می‌روند.
- (۴) کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است و آن بسیار زیبا است.

**۷۸ ۳ ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) بیست و دو به اضافه هشت مساوی هست با سی.
- (۲) صد تقسیم بر دو مساوی هست با پنجاه.
- (۳) چهار ضربدر سه مساوی هست با سیزده.
- (۴) بیست منهای پنج مساوی هست با پانزده.

(۳) او فرستاده شد — من فرستاده شدم / کامل شود — کامل کنم  
 («لَأَتَمِّمَ» فعل معلوم است نه مجهول.)

(۴) او — من / برای کامل کردن — تا کامل کنم / فرستاده شده است —  
 فرستاده شده‌ام

**۶۶ ۴ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

(۱) برای — در ترازوی / گران‌بهارتر — سنگین تر / یافت نمی‌شود — نیست  
 (۲) اندازه اخلاق زیبا — از اخلاق زیبا («میزان» اگرچه به معنی «اندازه»  
 نیز هست ولی در این جمله اولاً در معنی «ترازو» بهتر است، ثانیاً در جای  
 مناسب خود ترجمه نشده است.) / در مؤمن — در ترازوی مؤمن / سنگین تر  
 از هر چیزی است — چیزی سنگین‌تر نیست

(۳) ترازوی — در ترازوی / به وسیله خوش‌اخلاقی او — از خوش‌اخلاقی /  
 سنگین می‌شود — چیزی سنگین‌تر نیست

**۶۷ ۱ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

(۲) نرخ — نرخ‌ها («الأسعار» جمع است.) / جابه‌جا ترجمه شدن  
 «هشتاد و پنج هزار» و «سی و پنج هزار» / ترجمه نشدن «تَبَدُّأً»  
 (۳) شروع شد — شروع می‌شود («تَبَدُّأً» فعل مضارع است.) / هفتاد و  
 پنج هزار — هشتاد و پنج هزار / رسید — می‌رسد

(۴) فروش — قیمت‌ها / زاید بودن «اجناس» / با پنجاه و سه هزار —  
 از سی و پنج هزار / پنجاه و هشت هزار — هشتاد و پنج هزار

**۶۸ ۴ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

(۱) در فروشگاه از دوستم — در فروشگاه دوستم («مَتَجَّر» به «صدیقه»  
 اضافه شده است.) / خواستم — از او خواستم

(۲) از فروشنده — از او / ترجمه نشدن ضمیر «ی» در «تَغْطِیَنِي» / پیراهن‌ها  
 را — پیراهنی را («قمیصاً» مفرد است.) / پسند کنم — بخرم

(۳) ترجمه نشدن «صدیقتی» / از مغازه‌دار — از او / قیمت را کاهش دهد  
 — به من تخفیف دهد / پیراهن — پیراهنی، یک پیراهن («قمیصاً»  
 به علت داشتن تنوین و نیز با توجه به محتوای جمله باید به صورت  
 ناشناس ترجمه شود.)

**۶۹ ۳ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:**

- (۱) مبلغ دویست و سی هزار تومان شد.
- (۲) آن مغازه پدرم است. کیفیت جنس‌ها در آن بالاست.
- (۴) معلم، عملیات ریاضی را به صد دانش‌آموز یاد می‌دهد.

**۷۰ ۴ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:**

- (۱) برترین مردم سودمندترین آن‌ها برای مردم است.
- (۲) سکوت طلاست و سخن گفتن نقره است.

(۳) داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش بیفزاید.

## آزمون

### عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم (۱ - ۸):

۱- «عَلَى النَّهْيَةِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ يَمْنَعُوا أَنْفُسَهُمْ عَنِ الْمُنْكَرَاتِ فِي الْبِدَايَةِ ثُمَّ يَنْهَوُ الْآخَرِينَ.»:

- ۱) بازدارندگان از زشتی‌ها ابتدا خودشان از کارهای زشت خودداری می‌کنند، سپس دیگران را باز می‌دارند.
- ۲) بازدارندگان از کار زشت ابتدا باید خودشان را از کارهای زشت منع کنند، سپس دیگران را بازدارند.
- ۳) بازدارنده از کار زشت باید در ابتدا خودش را از زشتی‌ها بازدارد و بعد دیگران را نهی کند.
- ۴) در نهی کردن از عمل زشت ابتدا باید خودشان از کارهای زشت دوری کنند، بعد دیگران را نصیحت کنند.

۲- «قَدَّمَ جُنُودَنَا فِي الْحَرْبِ كُلِّ مَا فِي وَسْعِهِمْ وَ هَذَا كَانَ يُسَخِّطُ الْعَدُوَّ.»:

- ۱) سربازان ما، هرآن‌چه که در توانشان بود، در جنگ تقدیم کردند و این، دشمن را خشمگین می‌کرد.
- ۲) سربازان هرچه در توان داشتند در جبهه‌ها تقدیم می‌کردند و این، دشمن را عصبانی می‌کرد.
- ۳) سربازانی که در جنگ تمام توانشان را به کار گرفتند، دشمنان را عصبانی می‌کردند.
- ۴) سربازان ما هرچه را که می‌توانستند در جنگ تقدیم کردند و این همان چیزی بود که دشمن را خشمگین کرد.

۳- «مِنْ حُقُوقِ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُسَمِّيَهُ اسْمًا حَسَنًا وَ جَمِيلًا وَ أَنْ يُحَاوِلَ فِي تَحْسِينِ أَدَبِهِ وَ خُلُقِهِ.»:

- ۱) از حقوق فرزند بر پدر و مادر این است که نامی نیک و زیبا برایش انتخاب کند و ادب و اخلاقش را نیک نماید.
- ۲) از حقوق فرزندان بر پدر آن است که با نامی نیک و زیباتر او را صدا بزند و در نیکو نمودن ادب و اخلاقش سعی و تلاش کند.
- ۳) از حقوق فرزند بر پدر این است که نامی نیک و زیبا بر او نهد و در نیکو گرداندن ادب و اخلاقش بکوشد.
- ۴) حق فرزند بر پدر این است که او را با زیباترین و نیک‌ترین اسم نام‌گذاری کند و در بهبود ادب و اخلاق او بیشتر تلاش کند.

۴- عین الصحیح:

- ۱) عندما رأيت التَّخْفِيفَاتِ فِي مَتَاجِرِ هَذِهِ الْمَدِينَةِ حَسِبْتُ أَنَّ الْأَسْعَارَ أَقْلَ مِنْ مَدِينَتِنَا: هنگامی که تخفیف‌ها را در مغازه‌های این شهر دیدم، گمان کردم که قیمت‌ها کم‌تر از شهرمان است.
- ۲) لَكِنْ عِنْدَمَا نَظَرْتُ إِلَى الْأَسْعَارِ فَهَمْتُ أَنَّهَا أَعْلَى مِنْ مَدِينَتِنَا: ولی هنگامی که به قیمت‌ها نگاه می‌کنم، می‌فهمم که کالاها در شهرمان ارزان است.
- ۳) عَلَى سَبِيلِ الْمَثَالِ يَبِيعُ الْبَائِعُ سِرْوَالًا رَجَالِيًّا بِالتَّخْفِيفِ الْكَثِيرِ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ: به طور مثال فروشندگان در این شهر یک پیراهن مردانه را با تخفیف بیشتر، هفتاد هزار تومان می‌فروشند.
- ۴) بَيْنَمَا نَشْتَرِي هَذَا التَّوْعَ فِي مَدِينَتِنَا بِالتَّخْفِيفِ الْقَلِيلِ بَسْتَيْنَ أَلْفَ تُوْمَانٍ: در حالی که این جنس را با تخفیف کمتر در شهرمان شصت هزار تومان خریدیم.

۵- عین الخطأ:

- ۱) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ لَا يَصِلُ بِكَلَامِ الْجَاهِلِ: داناترین مردم کسی است که با سخن نادان گمراه نمی‌شود.
- ۲) عَاقِبَ الشَّرْطِيِّ مُتَفَرِّجًا يَسُبُّ اللَّاعِبِينَ فِي الْمَلْعَبِ: پلیس تماشاچی‌ای را که در ورزشگاه به بازیکنان دشنام می‌داد، مجازات کرد.
- ۳) حَسَنٌ خُلُقَكَ حَتَّى تَكُونَ أَحَبَّ إِنْسَانٍ فِي الْقُلُوبِ! اخلاقت را نیکو گردان تا محبوب‌ترین انسان در دل‌ها باشی!
- ۴) أَقْلُ حَقِّ أَوْبِكَ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرْفَعَ صَوْتَكَ عِنْدَهُمَا: کم‌ترین حق پدر و مادر بر تو این است که با صدای بلند نزدشان صحبت نکنی.

۶- عین الأقرب في مفهوم العبارة: «اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي!»

- ۱) صورت زیبا نمی‌آید به کار / حرفی از معنی اگر داری بیار
- ۲) تا صورت زیبایی تو از پرده عیان شد / یک‌باره پری از نظر خلق نماند
- ۳) بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد / بلکه آتش در همه آفاق زد
- ۴) سخن عشق تو بی آن که برآید به زبانت / رنگ رخساره خبر می‌دهد از حال نمانم

## ٧- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- (١) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَصْرُهُمْ لِعِبَادِهِ.
- (٢) عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَنِبَ مِنَ الصَّدِيقِ الْجَاهِلِ.
- (٣) عَلَيْنَا أَنْ نَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ.
- (٤) يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالتَّوَّاصِعِ أَمَامَ الْأَسَاتِذَةِ فَقَطْ.

## ٨- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- (١) سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَصْعَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.
- (٢) خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ يُهْدِي الْإِنْسَانَ عَيْبُوبَهُ.
- (٣) الْفَخُورُ هُوَ الَّذِي يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا.
- (٤) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا فِي مَكْتَبِنَا.

## إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ (٩ - ١٢):

نرى اليوم في العالم تقدماً واسعاً في كثير من المجالات (زمينهها)، على سبيل المثال في مجال التواصل المرئي (ديداري) و المسموع (شنيدياري) و أصبحت الأمور أسهل أيضاً. قد أصبحت الارتباطات و سبيعة في السنوات الأخيرة و حتى في القرن الأخير ظهرت طرق جديدة للتواصل تختلف عن الطرق القديمة كالرسائل و .... وسائل التواصل الحديثة مهمة جداً؛ لأنها جزء مهم في الحياة اليومية؛ و الأهمية الكبرى لوسائل الاتصال في مجال المعلومات؛ لأن المعارف و المعلومات أصبحت أكثر انتشاراً و أكبر تأثيراً بفضل الوسائل الحديثة. فالإنسان يقدر بها أن ينقل مطلباً إلى شخص آخر في الكرة الأرضية في ثوان معدودة أو دقائق لوجود كثير من الشبكات الاجتماعية كموقع (سايت) تويتر و هو موقع كبير صنع في عام ٢٠٠٦ للميلاد و من أشهر المواقع للتواصل الاجتماعي في العالم.

## ٩- لماذا وسائل التواصل الحديثة مهمة للبشر اليوم؟

- (١) الوسائل الحديثة من الأدوات الهامة التي لا يمكن توأصل دونها.
- (٢) هذه الوسائل جزء مهم من الحياة اليومية و أصبحت المعلومات أكثر انتشاراً بفضلها.
- (٣) يجب أن تنتشر المعلومات الدينية في ثوان معدودة و هذا العمل يمكن بهذه الوسائل فقط.
- (٤) وسائل التواصل الحديثة تدل الناس على توأصل دائم لا ينقطع و هذا ضروري.

## ١٠- ما هو «تويتر» و متى صنع؟ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (١) موقع جماعي للتواصل بين بعض البلاد - في عام ٢٠٠٦ للميلاد
- (٢) من وسائل التواصل الحديثة - في القرن الأخير
- (٣) موقع كبير للتواصل الاجتماعي - في عام ٢٠٠٦ للميلاد
- (٤) من الشبكات الاجتماعية المشهورة - في القرن الواحد و العشرين

## ١١- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) ليست التواصلات متقدمة بين البشر في هذا الزمان.
- (٢) الأهمية الكبرى لوسائل الاتصال تكوّن في انتشار المعارف و المعلومات.
- (٣) أصبحت الأمور أسهل في مجال التواصل المرئي فقط.
- (٤) ظهرت طرق جديدة للتواصل بين البشر كالرسائل.

## ١٢- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (١) صنع الإنترنت في عام ٢٠٠٦ للميلاد.
- (٢) تنتقل معلومات مهمة أثناء ثوان معدودة بفضل وسائل التواصل الحديثة.
- (٣) يمكن لنا التواصل المسموع عبر الإنترنت أيضاً.
- (٤) في القرن الأخير شهدنا أكثر التقدم في وسائل التواصل.

## عَيْنِ الْمُنَاسِبِ فِي الْجَوَابِ لِلْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٣ - ٢٠):

## ١٣- عَيْنِ مَا يَشْتَمَلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ:

- (١) أَنْتَ أَقْدَرُ مِنِّي فِي الصُّعُودِ مِنَ الْجِبَالِ.
- (٢) رَبُّنَا اللَّهُ الَّذِي هُوَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ.
- (٣) لَمْ يَقْدِرِ النَّاسُ أَنْ يَذْهَبُوا إِلَى هُنَاكَ بِسُرْعَةٍ فَاحْتَرَقَتِ الْأَشْيَاءُ فِي الْمَخْزَنِ.
- (٤) نَافِذَةٌ هَذِهِ الْغُرْفَةُ مَفْتُوحَةٌ لِأَنَّ مَقْبَضَهَا مَكْسُورٌ.

١٤- عَيِّن ما لا يشتمل على اسم التفضيل:

- (١) هل تعلمُ أن أطولَ الشَّوارِعِ في طهرانَ شارعٌ وليَّ عصر؟  
 (٢) المؤمنُ أحرَضَ على تقديمِ المُساعِدَةِ للآخرين.  
 (٣) أعلمُ المُعلِّمُ تلاميذهَ بأثارِ الكَسَلِ في الحياة.  
 (٤) كانت معنوياتُ جُنودنا في الحربِ أقوى من العَدُوِّ.

١٥- عَيِّن الخَطأَ فيما أُشيرُ إليه بخطِّ: «في مَسجِدنا مَكْتَبَةٌ صَغِيرَةٌ أَهْدَى أَخِي الأَكْبَرَ لَهَا كُتُباً دِينِيَّةً.»

- (١) مَسجِد: اسم مكان (٢) أهْدَى: اسم تفضيل (٣) مَكْتَبَةٌ: اسم مكان (٤) الأَكْبَرُ: اسم تفضيل

١٦- عَيِّن ما يشتمل على اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (١) يَصومُ المُسلمونَ في شَهْرِ رَمضانَ مِنَ الصَّباحِ إلى المَغربِ.  
 (٢) أَكلنا أَلذَّ الأَطعِمَةِ في مَطبِخِ مَنزِلنا الصَّغيرِ.  
 (٣) وَجَدتُ أَكْبَرَ الكُتُبِ العِلْمِيَّةِ حَولَ بَحْثي في هذه الجامعةِ.  
 (٤) أَحضَرَ الرَّاثرونَ أَنفُسَهُم لزيارةِ مَقْتَلِ الشَّهداءِ.

١٧- مَيِّزْ جواباً كُلَّ كَلِماتِهِ اسمُ المَكانِ:

- (١) مَرْزَعَةٌ - كَدَّابٌ - مُكَبَّرٌ (٢) مَنصَدَةٌ - مَرَكَبٌ - مَشهُورٌ (٣) مِفْتاحٌ - مَشْهَدٌ - مَتَجَرٌ (٤) مَنظَرَةٌ - مَرَقَدٌ - مَجْلِسٌ

١٨- عَيِّن الصَّحيحَ عَمَّا أُشيرُ إليه بخطِّ: «قد كَتَبَ المُؤرِّخونَ الأَقْدَمونَ ما أُثْبِتَ العُلَماءُ في العُلومِ المُخْتَلِفَةِ.»

- (١) المُؤرِّخونَ: اسمٌ مفعولٍ - فاعل (٢) الأَقْدَمونَ: اسم تفضيل - صِفَةٌ (٣) أُثْبِتَ: اسم تفضيل - مضافٌ إليه (٤) المُخْتَلِفَةِ: اسم فاعل - مضافٌ إليه

١٩- عَيِّن «أكثر» ليس اسم التفضيل:

- (١) الكَسَلانُ ما أَكثَرَ اجتهادهَ لِلوُصولِ إلى الهَدَفِ.  
 (٢) حَضَرَ أَكثَرَ التَّلَامِيذِ في الصَّفِّ في اليَومِ الأَخرِ.  
 (٣) قَدْرَةٌ بَدني في الصَّباحِ أَكثَرَ مِنَ المَساءِ.  
 (٤) قَصَى هذا العالِمُ أَكثَرَ أوقاَتِهِ بين الكُتُبِ.

٢٠- عَيِّن اسمَ التفضيل مفعولاً:

- (١) هَدَيْتِي لكَ أَصغَرَ من هَدِيَّةٍ أُعْطِيتَ لكَ اليَومَ في الحَفلةِ.  
 (٢) الرِّياحُ في هذه المَدينَةِ أَشدُّ مِنْ مُدُنٍ أُخرى.  
 (٣) شاهَدنا أَطوَلَ الحَيواناتِ قَدًّا في الغابَةِ.  
 (٤) هذه اللَّيْلَةُ أَجْمَلُ اللَّيالي في عَمري.



## پاسخ‌های تشریحی آزمون

۱۶ ترجمه عبارت در سؤال: خدایا همان‌طور که خلقتم را زیبا کردی

اخلاقم را [نیز] نیکو بگردان.

۱۷ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند مضرترین آن‌ها برای بندگان است.

(۲) ما باید از دوست نادان دوری کنیم.

(۳) باید صدایمان را بالای صدای مخاطب ببریم.

(۴) قرآن به ما فقط به فروتنی در برابر استادان فرمان می‌دهد.

۱۸ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) سوره بقره کوچک‌ترین سوره در قرآن است.

(۲) بهترین دوستان کسی است که به انسان عیب‌هایش را هدیه کند.

(۳) فخر فروش کسی است که به خود بسیار افتخار می‌کند.

(۴) در مکتب ما بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

متن زیر را با دقت بخوان، سپس براساس آن به سؤال‌ها پاسخ

بده (۹ - ۱۲):

امروزه در دنیا در بسیاری از زمینه‌ها پیشرفت وسیعی می‌بینیم، مثلاً در زمینه ارتباط دیداری و شنیداری و کارها هم‌چنین آسان‌تر شده است. ارتباطات در سال‌های اخیر گسترده شده است و حتی در قرن اخیر راه‌های جدیدی برای ارتباط بروز کرده است که با سبک‌های قدیمی مثل نامه‌ها و ... تفاوت دارد.

وسایل نوین ارتباط بسیار مهم هستند؛ زیرا آن‌ها جزء مهمی از زندگی روزانه می‌باشند و اهمیت بزرگ‌تر وسایل ارتباطی در زمینه اطلاعات است؛ زیرا

معارف و اطلاعات به برکت وسایل نوین بیشتر انتشار یافته و تأثیر بیشتری

دارد. پس انسان می‌تواند به وسیله آن‌ها مطلبی را به شخص دیگری در

[هر جای] کره زمین در چند ثانیه یا دقیقه انتقال دهد، به خاطر وجود بسیاری از

شبکه‌های اجتماعی مثل سایت تویتر و آن یک سایت بزرگ است که در سال ۲۰۰۶

میلادی ساخته شد و از مشهورترین سایت‌ها برای ارتباط جمعی در جهان است.

۱۹ ترجمه عبارت سؤال: چرا وسایل نوین ارتباط امروز برای بشر

مهم است؟

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) وسایل جدید از ابزارهای مهمی هستند که [هر نوع] ارتباطی بدون آن‌ها

غیرممکن است.

(۲) این وسایل جزء مهمی از زندگی روزانه می‌باشد و اطلاعات به برکت آن

بیشتر انتشار یافته است.

(۳) معلومات دینی باید در ثانیه‌هایی محدود (چند ثانیه) منتشر شود و این

کار فقط با این وسایل ممکن است.

درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا مفهوم مشخص

کن (۱ - ۸):

۱ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) زشتی‌ها — زشتی («الْمُنْكَر» مفرد است.) / ترجمه نشدن الگوی «باید»

(«عَلَى ... أَنْ») / خودشان — خودشان را / خودداری می‌کنند — بازدارند /

بازمی‌دارند — باز دارند، نهی کنند

(۳) بازدارنده — بازدارندگان («النَّهَاء» جمع است.) / خودش را — خودشان

را («أَنْفُسَهُمْ» جمع است.) / باز دارد — باز دارند / زاید بودن «و» / نهی

کند — نهی کنند

(۴) در نهی کردن از عمل زشت — بازدارندگان از عمل زشت خودشان —

خودشان را / منع کنند — خودداری کنند / نصیحت کنند — نهی کنند

حَلَّ سَرِيعٍ: النَّهَاءُ عَنِ الْمُنْكَرِ: بازدارندگان از کار زشت [رد سایر گزینه‌ها]

۲ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۲) سربازان — سربازان ما / جبهه‌ها — جنگ / تقدیم می‌کردند —

تقدیم کردند («قَدَّمَ» ماضی ساده است.)

(۳) سربازانی که — سربازان ما («جُنُودَنَا» معرفه است نه نکره.) / به کار

گرفتند — تقدیم کردند / ترجمه نشدن «هذا» / دشمنان — دشمن

(«الْعَدُوَّ» مفرد است.) / عصبانی می‌کردند — عصبانی می‌کرد

(۴) می‌توانستند — در توانشان بود / زاید بودن «همان چیزی بود که» / خشمگین

کرد — خشمگین می‌کرد («كَانَ يُسْخِطُ» معادل ماضی استمراری است.)

۳ اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) پدر و مادر — پدر / نامی ... برای انتخاب کند — با نامی ... او را

نامگذاری کند / نیک نماید — در نیک کردن ... تلاش کند

(۲) فرزندان — فرزند («الْوَلَد» مفرد است) / زیباتر — زیبا («جَمِيل» اسم

تفضیل نیست، اسم تفضیل این کلمه «أَجْمَل» می‌باشد.)

(۴) حق — از حقوق / زیباترین و نیک‌ترین اسم را نامگذاری کند — با

نامی نیک و زیبا او را نامگذاری کند / زاید بودن «بیشتر»

۴ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

(۲) ولی هنگامی که به قیمت‌ها نگاه کردم، فهمیدم که آن از شهر ماگران‌تر است.

(۳) به طور مثال فروشنده در این شهر یک شلوار مردانه را با تخفیف زیاد

هفتاد هزار تومان می‌فروشد.

(۴) در حالی که این جنس را در شهرمان با تخفیف کم، شصت هزار تومان می‌خریم.

۵ ترجمه درست: کمترین حق پدر و مادرت بر تو این است که صداقت

را نزد آن‌ها بالا نبری.



۴) وسایل نوین ارتباط، مردم را به ارتباطی دائمی و قطع نشدنی راهنمایی می‌کند و این ضروری است.

**۱۱۰ | ترجمه سؤال:** تویتر چیست و چه زمانی ساخته شد؟ گزینه غلط را مشخص کن:

**ترجمه گزینه‌ها:**

۱) یک سایت گروهی است برای ارتباط بین بعضی از کشورها - در سال ۲۰۰۶ میلادی

۲) از وسایل جدید ارتباط است - در قرن اخیر

۳) یک سایت بزرگ برای ارتباط اجتماعی است - در سال ۲۰۰۶ میلادی

۴) از شبکه‌های اجتماعی مشهور است - در قرن بیست و یکم

**۱۱۱ | ترجمه گزینه‌ها:**

۱) ارتباطات بین بشر در این زمان پیشرفته نیست.

۲) اهمیت بزرگ‌تر وسایل ارتباطی در پخش علوم و اطلاعات می‌باشد.

۳) کارها فقط در زمینه ارتباط دیداری آسان‌تر شده است.

۴) راه‌های جدیدی برای ارتباط بین بشر بروز کرده است؛ مانند نامه‌ها.

**۱۱۲ | ترجمه گزینه‌ها:**

۱) اینترنت در سال ۲۰۰۶ میلادی ساخته شده است.

۲) اطلاعات مهمی به برکت وسایل نوین ارتباط در طی چند ثانیه منتقل می‌شود.

۳) ارتباط شنیداری نیز از طریق اینترنت برای ما امکان‌پذیر است.

۴) در قرن اخیر بیشترین پیشرفت را در وسایل ارتباطی شاهد بوده‌ایم.

**■ جواب مناسب را در مورد سؤال‌های زیر مشخص کن (۱۳-۲۰):**

**۱۱۳ | ۳** همان‌طور که می‌دانیم اسم مکان بر سه وزن «مَفْعَل»، «مُفْعَل»، «مَفْعَلَة» می‌آید؛ مثل: «مَحْرَزَن، مَسْجِد و مَكْتَبَة»؛ بر این اساس اسم مکان در گزینه (۳) است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

۱) أَقْدَر — بر وزن «أَفْعَل»: اسم تفضیل

۲) عَالَم — بر وزن «فَعَال»: اسم مبالغه

۴) نَافِذَة — بر وزن «فَاعِلَة»: اسم فاعل / مَفْتُوحَة — بر وزن «مَفْعُولَة»

اسم مفعول / مَقْبُض — بر وزن «مَفْعَل» است که منطبق با هیچ یک از

وزن‌های اسم مکان نیست / مَكْسُور — بر وزن «مَفْعُول»: اسم مفعول

**۱۱۴ | ۳** ترجمه عبارت: معلم دانش‌آموزانش را به آثار تنبلی در زندگی آگاه کرد.

با توجه به ترجمه متوجه می‌شویم که «أَعْلَمَ» با وجود این‌که بر وزن «أَفْعَل»

است، اسم تفضیل نیست بلکه فعل ماضی در باب «إِفْعَال» می‌باشد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

اسم‌های تفضیل در سایر گزینه‌ها عبارتند از:

۱) أَطُول: طولانی‌ترین

۲) أَحْزَن: حریص‌تر

۴) أَقْوَى: قوی‌تر

**۱۱۵ | ۲** «مَسْجِد»: بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان است. «أَهْدَى»: فعل ماضی

در باب «إِفْعَال» بر وزن «أَفْعَل» است که به معنی «هدیه کرد» می‌باشد.

«مَكْتَبَة» بر وزن «مَفْعَلَة» و اسم مکان است. أَكْبَر: بر وزن «أَفْعَل» و اسم

تفضیل و به معنی «بزرگ‌تر» می‌باشد.

**۱۱۶ | ۲** در گزینه (۲) هم اسم تفضیل و هم اسم مکان داریم. «أَلَدَّ» به

معنای «لذیذترین» اسم تفضیل آن و «مَطْبَخ» و «مَنْزِل» به ترتیب بر وزن

«مَفْعَل» و «مَفْعَل» اسم مکان‌های آن هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

۱) مُسَلِّم: اسم فاعل / مَغْرِب: یعنی زمان غروب، این اسم هرچند بر وزن

«مَفْعَل» است اما چون به مکان دلالت ندارد، پس اسم مکان نیست.

۳) أَكْبَر: اسم تفضیل / الْجَامِعَة: اسم فاعل

۴) الزائرون: جمع «الزائر» و اسم فاعل است / مَقْتَل: بر وزن «مَفْعَل» و اسم

مکان است به معنی «قتلگاه» یا «محل قتل».

**۱۱۷ | ۴** «مَنْظَرَة، مَرْقَد و مَجْلِس» وزن‌های اسم مکان را دارند و هر سه

اسم مکان هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** در گزینه (۱) «مَرْزَعَة»، در گزینه (۲) «مَرْكَب» و در

گزینه (۳) «مَشْهَد» و «مَتَجَر» اسم مکان هستند.

**۱۱۸ | ۲** «أَقْدَمُونَ» جمع «أَقْدَم» و بر وزن «أَفْعَل» است، پس اسم تفضیل

می‌باشد، که در نقش صفت برای «الْمُؤَرَّخُونَ» است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

۱) الْمُؤَرَّخُونَ: اسم فاعل و در نقش «فاعل» است.

۳) أُثْبِتَ: فعل ماضی است و با توجه به این‌که فعل است نمی‌تواند مضاف‌الیه باشد.

۴) الْمُخْتَلِفَة: اسم فاعل و صفت برای «العلوم» است.

**۱۱۹ | ۱** ترجمه عبارت: تنبل تلاش را برای رسیدن به هدف زیاد نکرد.

با توجه به ترجمه می‌فهمیم که «أَكْتَر» در این گزینه فعل ماضی است

نه اسم تفضیل.

**۱۲۰ | ۳** «أَطُول» در گزینه (۳) اسم تفضیل و در نقش مفعول است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** «أَصْغَر»، «أَشَدَّ» و «أَجْمَل» در گزینه‌های دیگر

همگی نقش خبر را دارا هستند.